

دشمنان و مخالفان حزب توده ایران، ریشه‌های اجتماعی و انگیزه‌هایشان

صفحات ۷ و ۴

بمب‌های ضد انقلاب

دلیل آتش زدن سینما رکس نیست، رژیم شاه سابق میخواست با ایجاد این فاجعه عظیم و انتساب آن به سرسخت‌ترین دشمنان خود، بین آنها و مردم فاصله بوجود بیاورد. جنایت را به اتحاد سرخ و سیاه یعنی توده‌های و مسلمانان مبارز، که پیگیر ترین نیروها علیه رژیم گذشته بودند، نسبت دهد و مردم را علیه آنها تحریک کند، دسته‌های مختلف را بجان یکدیگر بیندازد و سرانجام جنبش را سرکوب کند. امروز طرح آتشی زدن سینما رکس را «کارشناسان» ضدشورش «سیاه» میکشیدند و ساواکیا اجرا میکردند. امروز نیز طرح بمب گذاری در مساجد بهنگام نماز را آنها میکشند و اینها اجرا میکنند. با يك تفاوت کوچک و اینکه، در نظر دارند «توطئه» را به این جنایت متهم کنند.

این شایعه را ساواکیا و ضد انقلابیون در میان مردم منتشر می کنند، تا بتوانند احساسات مذهبی مردم را علیه نیروهای اصیل چپ، بویژه حزب توده ایران بشورانند و خود توطئه علیه آنها را زیر این پوشش مرحله اجرا درآورند.

اری، جو سازی برای تفرقه افکنی بین نیروهای هوادار انقلاب، بویژه بین نیروهای اصیل چپ و قبل از همه حزب توده ایران و مسلمانان متعهد و مبارز و هواداران راستین امام خمینی یکی از مهم ترین هدف های ضدانقلاب است.

ضدانقلاب چه کمک دستیاران ساواکی خود این جو سازی را با شدت ادامه خواهد داد. ما باید در انتظار حوادث خونینی از این قبیل باشیم. چه بسا که در صفوف نماز گزاران در تهران یا شهرستانها بمبهای نیرومندی نیز کار گذارده شود. باید نه تنها در خشنی کردن بمبها، بلکه همچنین در جلوگیری از عواقب سیاسی آن و پرهیز از افتادن در دام دسیسه‌بازان ساواکی نیز هوشیار بود و نگذاشت که توطئه‌گران یا ایجاد جو تفرقه و بدبینی مقاصد پلید سیاسی خود را از پیش ببرند.

اما هدف بمب گذاری تنها جو سازی نیست، هر چند از اهداف مهم آنست. بمب گذاران میخواهند با این عمل خود با يك تیر چند نشانه بزنند: آنها پس از کشف هر توطئه و شبکه ضدانقلاب میخواهند «اثبات وجود» کنند و ببوداران خود نشان دهند که ضد انقلاب زنده است و آماده کارزار. ضدانقلابیون، بر حسب خصلت ضد مردمی و ضد انسانی خودشان، به نظر توده‌ها اهمیتی نمیدهند و مسانند رهبری «فقیدشان» معتقدند که با مردم تنها بقیه در صفحه ۸

برای يك لحظه فکر کنید که آن بمب «تی.ان.تی» که در مسجد جامع صحن شاه عبدالعظیم، بمب پاداران دلیر کشف و خنثی شده در میان صفوف نمازگزاران منتشر می‌گردید شمار تلفاتی که چنین بمبی می‌تواند در صفوف فشرده نماز گزاران بوجود آورد، قابل پیش بینی نیست. بمبی که می‌تواند حتی گنبد حضرت عبدالعظیم را به هوا پرتاب کند، بی‌شک صدها کشته نیز بجای می‌گذارد.

انتخاب زمان و مکان انفجار نیز تصادفی نیست. انفجار باید در مکان مقدس و در زمان مقدس، یعنی در صحن مسجد شاه عبدالعظیم و به هنگام نماز روی دهد. دلیل این انتخاب چیست؟ دلایل بی‌شمارت به

نمی‌آمد. - چه کسی جز ساواکی‌ها این بمبها را کار می‌گذارد؟ ما با چهره این حیوانات درنده، که به پیر و جوان، زن و کودک رحم نمیکنند، آشنائی دیرین داریم و طعم تازینه‌ها و شکنجه‌های آنان را چشیده‌ایم، اما پافشاری ما در لزوم سلب آزادی عمل از ساواکی‌ها، این سکن هار سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم جهانخوار آمریکا، به هیچوجه از حس انتقامجویی سرچشمه نمیکرد و نمیکرد. اگر ضدانقلاب در همان نخستین هفته‌های انقلاب از امکانات مادی و فنی و سازمانی برای رویارویی با نظام جمهوری اسلامی محروم میشد، امروز ابعاد توطئه‌ها تا این حد گسترده نمی‌بود.

بمب‌های ضدانقلاب خوشه‌های هستی بینگهان را گاه در اهواز، گاه در تهران، گاه در کرمانشاه و گاه در... درو میکند و معنای رحم و ملاحظه‌ای را که سازشکاران لایزال بنام «اسلام» برای ساواکی‌ها و دیگر وابستگان نظام شاهنشاهی میخواستند و شایستگی اینان را برای غفوی که با سوء استفاده از فرمان امام، به آنها دادند، نشان میدهد.

اکنون این آقایان بیایند و به مردم ایران جواب بدهند که: این بمبها یا پول کی ساخته میشود و یا نیست کی بکار می‌افتد؟

اگر پاداران و دیگر فرزندان دلیر انقلاب، با بخطر افکندن جانهای پاکشان، اکثر این بمبها را خنثی نمی‌کردند، چه فاجعه‌ها که بیار



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۳ پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۹، ۱۳۵۹، ۱۵ ریال

توطئه جدید امریکارا جدی بگیریم و برای درهم شکستن آن آماده باشیم

روزنامه نگار مشهور امریکائی، جک اندرسن، پرده از تدارک توطئه وسیع نظامی ازسوی پنتاگون و کاخ سفید، بمنظور هجوم مسلحانه به ایران برداشته است. جک اندرسن در مقاله‌ای که برای ستون دائمی خود در روزنامه «واشنگتن پست» تدوین کرده بود، پرده از جزئیات این توطئه برداشت، ولی گردانندگان روزنامه، که زیر فشار مقامات کاخ سفید قرار گرفتند، و نیز تمام روزنامه‌های معروف امریکا، که تحت کنترل و جیره‌خوار انتصارات امپریالیستی هستند، حاضر نشدند این مقاله را منتشر کنند. سرانجام خلاصه‌ای از این مقاله در يك روزنامه گمنام کالیفرنیا انتشار یافت. روزنامه نگار امریکائی وعده داده‌است که هفته آینده طی يك سری از مقالات، پرده از جزئیات این نقشه دوزخی بردارد.

طبق این نقشه، که زیر نام رمز «جیپی ۸۰» پیاده خواهد شد، قرار است در ط ماه اکتبر (مهر - آبان)، که سه سله قبل از انتخابات ریاست جمهوری امریکاست، هجوم مسلحانه وسیعی علیه پنتاگون صورت گیرد. این نظامی ظاهرا بیپایانه نجات چسان «گانه‌های» امریکائی است، ولی همان توطئه طیس را دنبال میکند، که با نام «عملیات نور سبز»، قصد انجام اقدامات نظامی علیه انقلاب ایران را در تفریق لیات تدارک‌شده از سوی ضد انقلاب و خارجی داشت، تا نظام جمهوری ایران را سرنگون و رژیم حافظ امپریالیسم جانشین آن سازد.

انفشاء این توطئه از سوی روزنامه نگار کالی، سروصدای زیادی را برانگیخت و ت کاخ سفید و پنتاگون باسراسیمگی چنین توطئه‌ای را تکذیب کردند. گوی کاخ سفید گفت: «این نظریه که دولت فعلی یا هر

برای سیاحت به مصر آمده‌اند؟ آیا کشتی‌های، نارگان ششم امریکا بسی‌هیچ قصد شریانه ریدخواهانه‌ای و فقط همانطور که ادعا شده است، برای «دیدار دوستانه» به بندر اسکندریه وارد شده‌اند؟ چرا تعداد این کشتی‌ها پنهان نگاه داشته شده و چرا مدت اقامت آنها نامعلوم است؟ در کشتی‌های کوچکتر و يك کشتی تهاجمی بزرگ، حامل تکبای ساحلی فقط بر حسب تصادف در میان کشتی‌های اعزامی به مصر جای گرفته‌اند؟ جک اندرسن افشا کرده‌است که: «برای استار هجوم، طرح ویژه‌ای تنظیم شده که در چارچوب آن در خلیج فارس، مانورهای تعلیماتی ناوگان جنگی امریکا صورت خواهد گرفت، و لسی این عملیات هدفش منحرف ساختن توجه عموم از عملیات واقعی علیه ایران است.»

و این دقیقا همان «مانور تعلیماتی» است که در حال حاضر در مصر در جریان است. وزیر دفاع امریکا «هارولد براون» ضمن تکذیب خبر توطئه علیه ایران در پاسخ این سؤال که: «آیا کوشش دیگری برای رهائی ۵۴ گروگان امریکائی در راه خواهد بود یا نه؟» میگوید: «این آن خبری است که من میل ندارم درباره‌اش صحبت کنم.»

وزیر دفاع امریکا آرایش نظامی وسیع امریکا را در خلیج فارس «شاهدی بر قدرت نظامی ایالات متحده» میدانند، تا «به ایرانیان بقیه در صفحه ۸

اعمال فشار سیاسی و اقتصادی و قراردادهای تحمیلی تأمین کند، آنوقت تلاش میکند که با کشتی جنگی و فانوم و تانک تأمین کند، که بتکرار کرده‌است.

مگر قبل از «عملیات نور سبز» (توطئه طیبی) کارتری و برزیلنکی و سایر مقامات مسئول امریکا، تکذیب‌نامه‌های مشابهی را در رد هر گونه عملیات نظامی علیه انقلاب ایران انتشار ندادند، و بفاصله چند روز، توطئه در کویر آغاز نشد؟

مگر دهیلتن جردن، مشاور کارتری، در روز قبل از پیاده کردن توطئه طیبی به دروغ به کارمندان کاخ سفید نگفته بود که: «هیچ اقدامی برای نجات گروگانها پیش‌بینی نشده است؟»

امپریالیسم حيله‌گر هزار چهره امریکا، در همان حال که دست دوستی بسوی خلفها دراز میکند، خنجر زهر آگین در آستین خود پنهان کرده است.

مقامات رسمی وزارت دفاع امریکا تاگزیر پذیرفته‌اند که عملیاتی با نام رمز «جیپی ۸۰» وجود دارد، ولی این عملیات فقط بمنظور «تعمیر» است، تا «قابلیت همکاری نیروهای نظامی امریکائی» سنجیده شود.

تعمیر برای چه؟ قابلیت همکاری نظامی امریکا برای پیاده کردن کدام طرح جنگی؟ همکاری نظامی امریکا با کدام کشور؟ آیا این تمرین‌ها تدارک‌مقدمات همان توطئه نیست؟ آیا فانوم‌های امریکائی که چند روز پیش، یکی از آنها نزدیک قاهره سقوط کرد،

دولت دیگری بخواهد بخاطر منافع سیاسی، جنگی را آغاز کند، يك ادعای مسخره و غلط است»، ضمن اینکه تأیید کرد که: «رئیس جمهور خلیج فارس را بعنوان يك منطقه «منافع حیاتی» برای امریکا و غرب میدانند»

تکذیب کاخ سفید چنان بی‌بایه و ناشیانه است، که خود قوی‌تر از هر تأییدی است. این سؤال اکنون مطرح میشود که: مگر امپریالیسم امریکا بخاطر منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود، دست به تجاوز نظامی علیه ویتنام نزده مگر جنگ‌های اول و دوم جهانی را امپریالیسم دقیقاً برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آغاز نکرده اگر درست است که امپریالیسم امریکا برای خود و متحدانش در منطقه خلیج فارس «منافع حیاتی» قائل است، و اگر بساور داشته باشیم که انقلاب ایران، این «منافع حیاتی» را بخطر افکنده است، آنگاه باین نتیجه منطقی میرسیم که، ذات متجاوز امپریالیسم، اگر نتواند این «منافع حیاتی» را از طریق

اوباشان گروه قاسملو به سرکردگی سرسپردگان فراری شاه باقی، به روشهای ساواک‌نشان خود علیه نیروهای مترقی و انقلابی، که نبره واقعی آنها را می‌نمایانند، ادامه میدهند

آنها بدنبال یورش به دفتر حزب توده ایران در صهباد، که ملی‌آزدر پنجره‌ها را شکستند و کتابها و نشریات را سوزانند، اکنون به آدم‌ردی دست میزنند و شبانه مسلحانه به خانه اعضاء و مسئولین حزب سكرات كردستان ایران (بیرو كنكره چهارم) هجوم می‌برند و آنها را در بایند.

جمعه شب، اینان به سرکردگی سرهنگ علیار (انسر فراری رژیم اغوت) از قاذبهای مورد اعتماد قاسملو، در یوگان به منازل پاره‌ای افراد حله کردند و تعدادی را دستگیر و به نقاط نامعلوم بردند. نام تعدادی از

آدم دزدی

حرفه تازه اوباشان گروه قاسملو

حزب دمكرات (بیرو كنكره چهارم) است. وی اکنون بیمار است و جانش در خطر قرار دارد.

ما ضمن محكوم كردن این اعمال رذیلاانه و فانیستی گروه قاسملو، این اقدامات را دلیل بر شكست عوام‌فریبی‌های این ضدانقلابیون و بی‌تعمری دعای «دمكرات‌یابانه» آنها میدانیم.

قاسملوها با دست‌زدن به اعمالی چون سوزاندن نشریات افشاگر و دستگیری انسانهای مبارزی که با امپریالیسم می‌ستیزند و خائنین را رسوا می‌کنند، خود را رسواتر و مردم را به حقایق نزدیک‌تر می‌کنند.

قاسملوها باید بدانند که گروهی را برای مدتی می‌توان فریفت، ولی مردم را برای همیشه، هرگز!

برده‌شدگان چنین است:

رحمن اصلانی، حامد جنتی، محمد بوکائی، ناصر وحیدی، ناصر فیض‌الله ییگی، ناصر کیخسروی و منصور کیخسروی.

گروه‌های قاسملو قبلا دودنر دیگر را نیز بنامهای فاروق کیخسروی و محمد ماجدی، بهین ترتیب برده بودند (فاروق کیخسروی از زهبران

اوباشان گروه قاسملو به سرکردگی سرسپردگان فراری شاه باقی، به روشهای ساواک‌نشان خود علیه نیروهای مترقی و انقلابی، که نبره واقعی آنها را می‌نمایانند، ادامه میدهند

آنها بدنبال یورش به دفتر حزب توده ایران در صهباد، که ملی‌آزدر پنجره‌ها را شکستند و کتابها و نشریات را سوزانند، اکنون به آدم‌ردی دست میزنند و شبانه مسلحانه به خانه اعضاء و مسئولین حزب سكرات كردستان ایران (بیرو كنكره چهارم) هجوم می‌برند و آنها را در بایند.

جمعه شب، اینان به سرکردگی سرهنگ علیار (انسر فراری رژیم اغوت) از قاذبهای مورد اعتماد قاسملو، در یوگان به منازل پاره‌ای افراد حله کردند و تعدادی را دستگیر و به نقاط نامعلوم بردند. نام تعدادی از

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بادام زمینی نصفه

وابستگی پاکستان به امپریالیسم آمریکا تشدید می شود

بکارش خیرگزاری پارس و بقتل از یک سخنگوی دیانک آمریکا، دولت پاکستان بموجب موافقتنامه ای، که در لندن امضا کرده، مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار از بانک های امریالیستی وام دریافت خواهد داشت. خیرگزاری پارس این مبلغ را عظیم ترین کمک مالی میخواند، که تاکنون در اختیار پاکستان قرار گرفته است. اسطای این وام به پاکستان در حالی صورت می پذیرد، که دولت نیپال، از یکسو در سیاست داخلی هرچه بیشتر به تشدید حکومت ترور و اختناق خود می افزاید، و از سوی دیگر در صحنه سیاست خارجی، آشکارا به یکی از مهم ترین عاملان اجرای مقاصد امپریالیسم آمریکا در منطقه بدل میشود.

یکی از «ارمغان» های رژیم ورشکسته ضیاء الحق برای مردم آن کشور، اقتصادی پس فلاتکبار است. نرخ رشد اقتصادی پاکستان در سال گذشته تنها ۲٫۵ درصد، یعنی حتی نیم درصد کمتر از آهنگ رشد سکنه آن کشور بود. کارشناسان اقتصادی، نرخ تورم را در پاکستان ۲۰-۳۰ درصد تخمین زده اند. ذخیره ارزی پاکستان، که در سال ۱۳۵۶، ۴۰۰ میلیون دلار بود، در پایان سال گذشته به ۱۲۰ میلیون دلار کاهش

یافت. کسر موازنه پرداخت های سالانه پاکستان از سرنگونی دولت بوتو تاکنون بیش از دو برابر شده و به ۱٫۶ میلیارد دلار رسیده است. بدین پاکستان به خارج اینک با مقدار ۱٫۶ میلیارد دلار رکورد جدیدی بجای گذاشته است. تنها بهره سالانه ای که بابت این بدی پرداخت میشود، ۵۰۰ میلیون دلار، یعنی ۲۰ درصد درآمدی است که از پایت صادرات عاید پاکستان میکند! اکنون متجاوز از یک سوم نیروی کار پاکستان بیکار است. هر ساله ۱۰۰ هزار پاکستانی، بقصد جستجوی کار در خارج، از جمله در ایران، کشور را ترک میکنند.

مقامات پاکستان بجای آنکه با اتخاذ سیاست ملی، چه در زمینه اقتصادی و چه در کسره سیاسی، به حل مشکلات توانفرسای مردم آن کشور بپردازند، با تشدید وابستگی به کشورهای امپریالیستی، بویژه امریالیسی آمریکا، در واقع، به تعمیق بحران اقتصادی و فلاکت خلق پاکستان دامن میزنند.

در حالیکه مصارف نظامی پاکستان پنجاه درصد بوجه آن کشور رامیبلد، فقط هدرصد بوجه صرف فرهنگ و آموزش میشود. از این بوجه عظیم نظامی تنها برای سرکوب مردم پاکستان و تجاوز به کشورهای

همسایه، افغانستان، هندوستان و ایران میگردد. طبیعی است، که «جیمی بادام کار»، درازای خوش خدمتی ضیاء الحق ها و آقا شاه ها، از جمله میزبانی کنفرانس های «همبستگی» با «شرار افغانی»، «نیم بادام زمینی» هم جلوی آنها میاندازد. (خیرگزاریهای امپریالیستی چندماه پیش گزارش دادند که ضیاء الحق پیشنهاد «کمک» ۴۰۰ میلیون دلاری آمریکا را، «بادام زمینی» خواند و آنرا «رده» کرد). البته حتما این «بادام زمینی» هم باین آسانی نصیب ضیاء الحق و شرکاها نشده است. سفر گدایی «اسحق خان» وزیر دارایی پاکستان، به درز جهان و در یوزگی او در قبال «سندوق بین المللی پول» و امپریالیست های آمریکایی، آلمان غربی، فرانسوی، بریتانیایی و غیره ظاهرا چندان موفقیت آمیز نبود.

بنظر میرسد که بازگرداندن صنایع ملی شده به صاحبان خصوصی آنها و تسهیل شرائط سرمایه گذاری امپریالیستی نیز کافی نبود، که «ارباب» دست بجیب ببرد.

آینده نشان خواهد داد که ضیاء الحق با قول چه «خوش خدمتی» هایی متخرف باین «بادام زمینی نصفه» شده است.

همکاری نظامی امریکا و چین بر ضد خلقها



امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که چینی ها در گستره نظامی نیز به هم پیمانی با امپریالیسم آمریکا تن در داده اند. هدف از این هم پیمانی، مقابله با بیکار خلقها و محافل واقع بین در راه تنش زدایی و خلع سلاح، دگرگونی توازن استراتژیک نیروها به زیان سوسیالیسم و برتری جویی نظامی و آرزوی بازگشت به دورانی است که امپریالیسم می توانست شاننا را پایه سیاست بین المللی قرار دهد.

تحول نامبرده، هر چند هم که هشدار دهنده وجدی است، به هیچ روی شگفتی بر نمی انگیزد. سه سال پیش، یکی از فراخوانهای یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین، ایجاد جبهه واحدی در پهنه بین المللی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود.

اما همکاری نظامی چین و کشورهای امپریالیستی از این نیز کهنه تر است. در سال ۱۳۵۴ اشتراوس، سولگی سیاه ترین محافل ارتجاعی امپریالیسم اروپای باختری، با سفر خود به پکن مقدمات معاملات نظامی چین را با کنسرن تسلیحاتی «مراشیت - بولکوم بلوم» در آلمان غربی فراهم آورد. از آن هنگام تاکنون نهنها بسیاری از نمایندگان مجامع تسلیحاتی و افسران و کارشناسان بلند پایه کشورهای امپریالیستی پکن نشینان را زیارت کرده اند، بلکه نخستین اخبار نیز درباره خریداری سلاح های نظامی چین از بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و جمهوری فدرال آلمان انتشار یافته است.

در پایان سال ۱۳۵۷، «ناتو» محدودیتهای واگذاری اسلحه رابه چین لغو کرد. در زمستان سال ۱۳۵۸، چین در جریان جنگ تجاوزکارانه خود علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، سه قرارداد تسلیحاتی با کنسرن بدنام «مراشیت، بولکو، بلوم» منعقد ساخت. تنها چند روز قبل از جنگ افروزی علیه خلق ویتنام، مناسبات

کامل دیپلماتیک میان چین و آمریکا برقرار شده بود. در جریان دیدار دنگ شیائوپینگ، معاون نخست وزیر چین بود که، این معلم خودخوانده، ظاهرا در برتو تشویق و ترغیب کاخ سفید، تصمیم ماثوئیتها را مبنی بر «درس دادن» به ویتنام آزمون داده اعلام کرد.

هم پیمانی نظامی برتری جوان پکن و امپریالیستها بخشی است از استراتژی جهانشمول امپریالیسم، که سالهاست برای پیشبرد منافع جهانخوارانه امپریالیست ها تدارک دیده شده است و «افغانستان» و رویدادهای مشابه تنها بهانه ای است برای استتار این دسیسه پلید و خانمان برانداز.

در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۸، یعنی در اوج تحریم اقتصادی آمریکا علیه اتحاد شوروی، قرار داد بازرگانی میان واشنگتن و پکن امضاء شد، که بموجب آن آمریکا حداکثر تسهیلات تجاری را برای چین قائل گشت. چندی بعد فرانک برن، نماینده ویژه کارتر، قراردادی درباره همکاری

«علمی- فنی» در پکن امضاء کرد. در جریان این دیدار، مذاکراتی نیز پیرامون ساختن یک «ماهواره مشترک اطلاعاتی - ارتباطاتی» صورت پذیرفت.

در دیماه ۱۳۵۸، هنگامی که جارجیان امپریالیسم گوش جهانیان را با تبلیغات ضد افغانی خود گرمی کردند، براون، وزیر دفاع آمریکا، از پکن دیدار کرد. دوطرف اعلام داشتند که در «بسیاری مسائل عمیقائی تفهاند» و تصمیم گرفته اند که در زمینه نظامی نیز هماهنگی های نزدیکی را بایکدیگر برقرار سازند. در این مذاکرات، درباره آموزش افسران چینی در آمریکا گفتگو به عمل آمد. براون قول داد که آمریکا به واگذاری تکنولوژی های مهمی، چون «لندست»، به رهبری ماثوئیتی اقدام خواهد ورزید. یادآور میشویم که، آمریکا از این ایستگاه زمینی ماهواره، برای عملیات جاسوسی علیه اتحاد شوروی استفاده می کند.

در روز ۲۷ اردیبهشت امسال، چین برای نخستین بار به برتاب دو موک میان قاره های مبادرت جست. می توان حدس زد که این اقدام تنها با استفاده از تکنولوژی و شمارگرهای آمریکایی امکان پذیر بوده است. البته نیروی دریایی آمریکا نیز لطف کرد و پاسداری از منطقه هدف را در اقیانوس آرام به عهده گرفت!

چند روز بعد، در نخستین دهه ماه خرداد، دنگ شیائو سفر براون را از پکن، با دیداری از واشنگتن، باصطلاح پاسخ گفت. برای درک اهمیت واقعی این دیدار باید یادآور شد که دنگ هرچند باشد، عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و معاون نخست وزیر آن کشور است. وی، که همچنین ریاست کمیسیون نظامی کمیته مرکزی را بعهده دارد، بخاطر مواضع ضد شوروی خود بس «مشهور» است.

از دنگ در آمریکا با احترام فراوان پذیرایی شد و با جمیع «برگزیدگان» واشنگتن، از جمله برزیدنت کارتر، مشاور امنیتی او برزینسکی، براون و ماسکی ملاقات بعمل آورد. در همه این دیدارها، پیوسته به جو «صمیمانه و دوستانه» اشاره شد.

ره آورد این سفر چه بود؟ تعهد واگذاری مهم ترین تکنولوژی ها و تجهیزات نظامی به مبلغ میلیون ها دلار، که از جمله اقلام زیر را در بر می گیرد:

هلیکوپترهای نفربر، هواپیماهای جنگی، دستگاههای رادار ویژه دفاع هوایی تاکتیکی، موتورهای جت، دستگاههای اطلاعاتی، شمارگر و آنتن های آژیر سریع و غیره.

دنگ از برخی از کنسرن های تسلیحاتی، که واگذاری تجهیزات نامبرده را متقبل شده اند، بازدید کرد و امکان دریافت مستقیم جنگ افزار را نیز خاطر نشان ساخت.

پس از بازگشت دنگ به پکن، تدارکات ادامه سیاست ماجراجویانه و خطرناک چین، تشدید یافت. چهارتن از اعضای بوروی سیاسی و معاونان نخست وزیر، که نزدیکی نظامی را به آمریکا بلاشرط نمی پذیرفتند، به اتهام همکاری با «باند چهار نفره» «پاکسازی» شدند و آمریکا دوستهای اطراف دنگ شیائوپینگ جای آنها را گرفتند.

اختلاف نظر در درون ارتش نیز، پس از «خفه شو» بیرون جنگ سرد، فعلا پایان یافته است.

در همان حال چین مذاکرات خود را، برای عادی سازی روابطش با اتحاد شوروی و ویتنام، یکباره قطع کرد.

سلاحهای آمریکائی در دست ماثوئیتها، نه تنها امنیت کشورهای سوسیالیستی و فاره آسیا را تهدید می کند، بلکه بویژه صلح جهانی را به خطر می اندازد. اتحاد شوروی و دیگر نیروهای ضدامپریالیست و صلحجوی جهان بارها در اینباره هشدار داده اند. باگرفتن آتش از دست آتش افروزان پکن، می توان از ماجراجویی جهانسوز جلوگیری کرد.

اعلامیه هواداران حزب توده ایران در آمریکا

حمله پلیس دهمش را به ایرانیان هوادار انقلاب در لندن و سان دیگو محکوم میکنیم و آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان را خواهانیم.

انقلاب مردم ایران آنچنان ضربهای بر بیکر لرزان امپریالیسم جهانی وارد کرده است که این دشمنان بشریت، از بیم گسترش آرمانهای آن هر گونه صدای مدافع انقلاب را با شدیدترین عکس العمل فاشیستی پاسخ می دهند. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای سرکوب انقلاب لحظه ای از بیانی ننشسته و از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

این شیطان بزرگ، از زمان تاسیس جمهوری اسلامی ایران تاکنون، به شیوه های مختلف، مانند حمله نظامی، کودتاگری، محاصره اقتصادی و جنگ افروزی می کوشد، تا کشور ما را دوباره به زنجیر بکشد.

سازماندهی ضدانقلابیون ایرانی توسط سیا و سازمانهای جاسوسی انگلیس و دیگر کشورهای امپریالیستی در اروپا و آمریکا حربه دیگری است بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی ایران و مسموم کردن هرچه بیشتر افکار عمومی جهان علیه انقلاب ایران و رهبران امام خمینی.

ولی امپریالیسم جهانی در سرزمین خود نیز با مقاومت پیگیر هواداران انقلاب که بازتاب مبارزات آگاهانه ضدامپریالیستی مردم قهرمان ما است، روبروست.

هموطنان مبارز، روز یکشنبه ۵ مرداد، طی حمله پلیس مزدور آمریکا به صف تظاهرات مسالمت آمیز ایرانیان طرفدار انقلاب در واشنگتن، که به مقابله با تجمع عوامل شاه ملعون و بختیارخان

برخاسته بودند، حدود ۴۰ نفر زخمی و نزدیک به ۲۵۰ نفر دستگیر شدند. متعاقب آن ایرانیان مبارز در لندن و سان دیگو و چند نقطه دیگر، طی تظاهرات مسالمت آمیزی، آزادی فوری و بدون قید و شرط خواهران و برادران دستگیر شده را خواستار شدند، که با عکس العمل وحشیانه پلیس محلی مواجه گشتند.

در لندن پلیس مزدور عده کثیری را مضرور و بیش از ۴۰ نفر را دستگیر کرد. این اقدام بربرمنشانه پلیس انگلیس با تظاهرات ایرانیان هوادار انقلاب در مقابل دادگاه در لندن مواجه شد. پلیس لندن وقاحت را به آنجا رساند که ۶۰ نفر از آنها را نیز دستگیر و زندانی کرد.

امپریالیسم انگلیس، این کفتار بیر، می کوشد با توطئه سکوت، چهره بی طرف نشان دهد و از خشم مردم ایران مصون بماند.

در سان دیگو (کالیفرنیا) ایرانیان هوادار انقلاب، در دانشگاه ایالتی این شهر، در اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس و ابراز همبستگی با مبارزان در بند در واشنگتن تجمع کردند و سپس به نماز ایستادند. در این هنگام پلیس به آنها حمله کرد و پس از مضرور ساختن عده ای، بیش از ۳۰ نفر را دستگیر و زندانی کرد.

مارفتر پلیس فاشیست آمریکا و انگلیس را نسبت به هواداران انقلاب بشدت محکوم می کنیم و آزادی خواهران و برادران دستگیر شده را خواهانیم و در حد توان خود برای همکاری و همیاری با همه طرفداران انقلاب مردمی ایران، به رهبری امام خمینی، آماده ایم.

امپریالیسم آمریکا که در کمین نشسته و از هر فرصتی در جهت برآوردن اهداف شوم خود بهره برداری می کند، اکنون نیز از طریق رسانه های گروهی می کوشد، تا هرچه بیشتر اعمال تجاوزگرانه و جنگ طلبانه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران زمینه سازی کند و افکار عمومی مردم آمریکا را بیش

از پیش علیه انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما و رهبران امام خمینی تحریک نماید.

تنها با اتحاد و هشیاری همه نیروهای انقلابی میتوان دساتر و توطئه های همه جانبه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درهم شکست و انقلاب را تا پیروزی نهائی به پیش برد اتحاد ما ضامن پیروزی ماست.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

پیروزی باد انقلاب ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری امام خمینی!

برقرار باد جبهه متحد خلق!

هواداران حزب توده ایران در آمریکا
۱۷ مرداد ۱۳۵۹



پلیس دشمن امپریالیسم آمریکا

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

سندیکای کارگران بلورسازی:

کارفرمایان ابتدائی ترین حقوق کارگران را زیر پا میگذارند و باعث نارضایتی کارگران اند

هیئت مدیره سندیکای کارگران بلورسازی تهران، براساس شکوایتهای کارگران این صنف و جمع بندی آنها، طی اطلاعیهای خطاب به کارفرمایان صنف لوله سازی و سفیدسازیهای تهران و حومه، ضمن طرح سنوالباهی، خواستار رعایت حقوق کارگران شده است.

در این اطلاعیه با اشاره به تعطیل کردن بیشتر کارخانههای لوله سازی از سوی کارفرمایان (به مدت دوتا سه ماه در سال) پرداخت تمام دستمزد ایام تعطیل به کارگران، از کارفرمایان خواسته شده است. به کارگران، به ازای هر یک ماه تعطیل، فقط معادل ۱۵ روز دستمزد پرداخت شود. کارگران از مزایای قانونی نظیر حق مسکن، خواربار و حداقل دستمزد و مرخصی سالیانه محروم اند. آنان در مقابل کوچکترین اعتراضی به اخراج تهدید می شوند. کارفرمایان با پرداخت کمترین دستمزد کارگران را هر چه بیشتر به کار می کشند و به هیچ وجه در فکر این نیستند که برانبرقاربتهای سودجویانم شان ویی توجهی به امر تولید، چه زیانهای وارد می آورند.

در اطلاعیه از جمله به تولید نشدن کالاهای ضرور نظیر لوله ۱۵ و کاسه ۵ و گردسوز و زنبوری که در حال حاضر از خارج وارد می شود - اشاره شده و سؤال می شود: "چرا این گونه بازار مصرف را بخاطر رقابت های نامشروع و تولید نامرغوب، از دست می دهیم؟" کارفرمایان در عین اینکه ۷٪ از دستمزد کارگران را کسر می کنند، تا به سالزمان تامین اجتماعی پرداخت شود، غالباً از ارسال لیست بیمه و دستمزد به این سازمان خودداری می کنند. در پایان، اطلاعیه خواستار تحویل لیست کارگران شاغل به بیمه و مطلع کردن سندیکا از نتیجه آن شده است.

هیئت مدیره سندیکای بلورسازی تهران در عین حال طی نامه ای به وزیر کار و امور

اجتماعی، ضمن تاکید بر این که کارفرمایان ۵۴ کارخانه بلورسازی در رعایت حقوق کارگران ونوجه به خواسته های آنها کمال بی توجهی را از خود نشان می دهند، بابرشردن خواسته های کارگران، خواستار اقدام عملی در جهت تحقق آنها شده است.

خواسته های کارگران بقراریز در نامه سندیکا مطرح شده است:

- پرداخت حق مسکن و خواربار،
- اجراء حداقل دستمزد در کلیه کارخانجات،
- اخراج بدون دلیل کارگران متوقف شود،
- کارفرمایان از کارگر قبیل از شروع بکار سفیدمهر می گیرند. پیشنهاد می شود که به اداره کار ابلاغ شود، این سفیدمهرها از درجه اعتبار ساقط شود،
- کارفرما از کارگر خارجی استفاده می کند، کارگرایانی برای اینکه مزایای قانونی خود را طلب می کند، اخراج می شود،
- در موقع اخراج، کارگران حداقل ۳ الی ۴ ماه سرگردان اند. پیشنهاد می شود، در صورتی که کارفرما کارگری را نمی خواهد، ۱۵ روز قبل به کارگر اطلاع داده شود، تا کارگر بتواند برای خود کاری دست و پا کند، یا مزایای قانونی خود را از طریق اداره کار دریافت نماید.

کلیه کارگران در بدترین شرایط در کارخانجات بلورسازی مشغول بکارند. سالن ناهار خوری و محل رخت کن در هیچ کارخانه ای وجود ندارد.

کارخانجات بلورسازی توسط بازرسی وزارت کار از نظر بهداشت محیط کار و ... کنترل شود. در کارخانجاتی که فاقد جواز شهرداری هستند، کارفرما ملزم به دریافت جواز و بهبود شرایط محیط کار شود، تا کارگران بتوانند در محیط بهداشتی تری بکار خود مشغول شوند.

لازم به توضیح است که بعضی از کارفرمایان محلتهائی را که قبلاً گاو داری بود، به شکل کارخانه بلورسازی در آورده اند.

کارگران یازنشسته سیمان ری

سرانجام پس از سی و پنج یا چهل سال کار در میان گردو غبار و تحمل رنجها و بی عدالتیها در کارخانه سیمان ری، کارگران یازنشسته می شوند. کارگران که بس از انقلاب مدت ها جسم برهه تصویب طرح طبقه بندی مشاغل بودند، وقتی دیدند که نتیجه ای نمی گیرند و حتی چند نفر از کارگران قدیمی را هم با بی حرمتی یازنشسته کردند، همگی تقاضای یازنشستگی کردند. بر اثر اقدام دستجمعی این کارگران، بیم آن می رفت که کارخانه نتواند به کار عادی خود ادامه دهد. لذا بعضی از کارگران قدیمی - با همه دلگیریها و دلسردیها - از آنجا که نمی خواستند حتی یکی از چرخهای اقتصاد مملکت هم از کار بیفتند مدتی بر سر کار خود باقی ماندند.

اکنون حقوق یازنشستگی مهمترین مسئله این زحمتکشان است. آیا باز باید پس از عمری کار، در این سنین پیری، کنار خیابان بساط پهن کرد و یاد درگاهها به کار پرداخت؟ یا این که حقوق یازنشستگی می تواند زندگی خانواده آنها را تامین کند؟ اگر قرار باشد حقوق آنها بر اساس میانگین حقوق دو سال گذشته حساب شود، ظلم بزرگی است که در حق آنها انجام می گیرد. حقوق روزانه آنها از دو سال پیش به این طرف، تقریباً به این ترتیب بوده است: ۴۷۰ ریال، ۵۶۰ ریال، ۶۵۰ ریال و بالاخره ۱۰۰۰ ریال.

اکنون که طرح طبقه بندی پیاده نشده است باید با تامین یک رفاه نسبی در دوران یازنشستگی آنها رانسبت به انقلاب دلگرم کرد.

بدیهی است که مجموعه امکانات و مزایایی که یک جامعه در اختیار زحمتکشان یازنشسته می گذارد. نشان دهنده میزان احترام و درجه مسئولیتی است که در قبال زندگی کلیه حقوق بگیران احساس می کند.

در یک جامعه انقلابی، مهمترین ملاک برای تعیین این مزایا و سهمی که به تامین زندگی یازنشستگان تعلق می گیرد، نیازهای واقعی و حدود احتیاج اجتماعی آنان است. در این جایز یک سیستم انقلابی خود را به کاغذ بازی و حساب سازی نهم محدود می کند و نه دلخوشی مبنای درستی کار چنین نظامی در آسایش محرومان و مزدبگیران است.

وسن آخرین این که، حقوق و مزایای یازنشستگی، آیینی ای است که زحمتکشان پاکبخته آینده خود را در آن می بینند. به امید آن که این تابلو، دورنمای شکوفائی از یک زندگی بی دغدغه را به زحمتکشان میهن ما ارزانی دارد.

در باره صنایع لاستیک سازی و مشکل مواد اولیه

مسئولین دولت انقلاب حق ندارند در برخورد با زحمتکشان از منظر چاق استفاده کنند.

متجاوز از چند ماه است که در کارخانه گرین بلاک اهواز، برائمسائلی که برای کارکنان آن کامکان لاینحل باقی مانده، متاسفانه کارتولید متوقف شده است. تعطیل این کارخانه با پیامدهای تاسف بار و زیانبخشی همراه است که با گذشت زمان هر چه آشکارتر میشود.

کارخانه گرین بلاک، سازنده "دوده" است. این دوده به عنوان ماده اولیه در کارخانجات لاستیک سازی، کفش سازی، و اشرا سازی و پلاستیک کاری بکار می رود. این کارخانه فوق العاده مدرن است، و از این نظر با تعداد کمی کارگر و کارمند (کمتر از صد نفر و غالباً تکنسین و مهندس) می تواند تولید بسیار قابل توجهی داشته باشد.

مدتی قبل وزارت نفت دستور داد که این کارخانه جزء وزارت نفت و قسمتهای تابعه آن بشود. این تصمیم با این خواست کارکنان کاربن بلاک روبرو شد که: اول باید حقوق و مزایای ما را برابر با کارمندان شرکت نفت بپردازید. مقاومت وزارت نفت از یک طرف، و سرخستی کارکنان این کارخانه از سوی دیگر، کار را به اعتصاب کشاند.

نتیجه اینکه کارخانجات گیان تایلر، لاستیک جنرال، بریجستون شیراز، ایران یاس، کفش ملی و کارخانجات و اشرا سازی نیز در خطر توقف تولید قرار گرفتند.

برای نمونه در کارخانه گیان تایلر، واقع در جاده ساوه اکنون بیش از یک ماه است که کار تعطیل شده است. اول سه هفته تعطیل کردند، زیرا فکر می کردند که تا این مدت، دوده به کارخانه می رسد. ولی بعد مجبور شدند یک هفته دستگیر کارخانه را بخوابانند (تا ۲۵ مرداد) در این مدت با جند واسطه در خارج به منظور خرید دوده تماس گرفته شده ولی قیمت های آن نسبت

اخبار کارگری

کانون شوراهای کارگری شرق تهران: لغو سود ویژه بفتح انقلاب نیست

کانون شوراهای کارگری شرق تهران، متشکل از نمایندگان و اعضای شوراهای اسلامی منطقه شرق تهران، در مورد لغو سود ویژه کارگران اطلاعیه ای منتشر کرد.

در این اطلاعیه، در ارتباط با ماهیت قانون سهم کردن کارگران و تبلیغات کرکننده رژیم سابق در این زمینه، در عین تشدید استنمار کارگران، آمده است:

"مساله سود ویژه به این صورت بود که کارفرمایان قسمتی از حقوق کارگران را بخاطر نفع بیشتر خود استنمار بیشتر کارگران، نزد خود نگاه می داشتند و هر چند ماه یکبار، پانسی از پایان سال، به کارگران - به عنوان این که آنها را در سود شریک کرده اند - می دادند و با این کار رژیم شاه خائن می خواست خود را طرفدار کارگر جلوه دهد."

در ادامه اطلاعیه، تضمین شورای انقلاب در مورد لغو سود ویژه، و نادیده گرفتن واقعیت فوق "به معنای بخشیدن قسمتی از حقوق کارگران به سرمایه داران" ارزیابی شده است.

در پایان اطلاعیه، ضمن اشاره به اعلامیه وزارت کار، که این تصمیم را "بخاطر نجات کارخانه ها و کارگاهها از خطر رکود بیشتر" قلمداد کرده و آن را "سود کارگران و کشور" دانسته، آمده است که:

"چرا همیشه برای نجات کشور از رکود، لقمه ای از گلوئی کارگران بیرون می کشند؟ چرا بجای فشار به سرمایه داران، به کارگران هر چه بیشتر فشار می آورند؟ این لایحه در نهایت، حمایت از سرمایه داران و سرمایه داری وابسته است و به ضرر کارگران و کشور.

ما اعلام می کنیم که لغو سود ویژه بفتح انقلاب نیست و بحران و رکود موجود را برطرف نمی کند، بلکه این اقدام حمایت آشکاری از سرمایه داران است و تنها و تنها بمرحومیت کارگران و فقر و نداری آنان می افزاید."

به قیمت کربن بلاک فوق العاده بالا بود و کیفیت دوده آنها نیز با استانداردهای گیان تایلر تفاوت داشت.

باتوجه به اینکه در این یک ماه حتی یک حلقه لاستیک تولید نشده است، مساله آینده کارخانه مطرح شده و در بین کارگران نیز ترس از بیکاری بالا گرفته است.

در کارخانه جنرال تایلر و رابر ایران، واقع در جاده کرج، موجودی دوده تمام شده و کارخانه در آستانه تعطیل قرار دارد.

در بریجستون شیراز وضع به همین منوال است و کارت تعطیل است.

باتوجه به اینکه در صنایع لاستیک سازی در ایران چند هزار کارگر کار می کنند، مسئله کاربن بلاک اهواز توانسته است وضع بسیار وخیمی را بوجود آورد، و ادامهای وضع تنها بسود ضد انقلاب است.

نکته بسیار دردناک آنست که، در کارخانه گیان تایلر، آن قسمت از مواد اولیه که از خارج وارد می شود، موجود است، ولی کمبود "دوده"، که در خود ایران تولید می شود، کار کارخانه را خوابانیده است.

باتوجه مسئولین وزارت نفت و وزارت صنایع و معادن را به این امر جلب می کنیم. بدیهی است که هرگونه بی توجهی، تعلل یا سرسری گرفتن مسائلی از این دست، که مستقیماً با سرخوش هزاران کارگر مربوط می شود، در حد خود عوارض جبران ناپذیری به همراه دارد.

در شرایط کنونی میهن ما، که درگیر یک مبارزه همه جانبه با امپریالیسم آمریکاست، این مبارزه از جمله در شاخه اقتصاد با شدت جریان دارد. امپریالیسم می کوشد تا ما را در این زمینه فلج کند. وبدین منظور محاصره اقتصادی را در جهت به زانو در آوردن مردم طراحی کرده است. برای خنثی کردن برنامه های شیطانی آمریکا باید کوشید که واحدهای تولیدی نه تنها تعطیل نشوند، بلکه هر چه بیشتر بر کمیت و کیفیت تولید خود بیفزایند، تا همزمان با جویگویی نیازهای مصرفی داخلی، امکان رقابت با انواع کالاهای مشابه در منطقه را نیز داشته باشند.

از این نظر، بی توجهی به امر حیاتی تامین وحدت نظری و عملی در کار اداره واحدها و نیز تامین حداقل نیازهای کارگران و کارکنان، زیانهای گاه مهلکی بر بیکار اقتصاد میهن انقلابی ما وارد می آورد.

در جهان سوسیالیسم

بسر خپوستان در کانادا مثل برده رفتار میشود

نود درصد ۱۴ هزار کارگر روستایی ایالت «بریتیش کلمبیا»، واقع در غرب کانادا، سرخپوست و اکثر آنها زن هستند. بگفته راج چوهان، رئیس «سندیکای کارگران روستایی کانادا»، با نامبردگان «مثل برده رفتار میشود». وی اضافه کرد که این سرخپوستان «از سرگونه بیمه اجتماعی و بهداشتی محرومند و دستمزد آنها کفایت معیشت خود و خانوادههایشان را نمیدهد».

کارگران روستایی سرخپوست تا ۱۶ ساعت در مزارع کار میکنند و دستمزدی که دریافت میدارند، تنها بحدی است که آنها را زنده نگاهدارد. کودکان آنها نیز که از هفت سالگی بکار گماشته میشوند، هیچگونه دستمزدی دریافت نمی دارند.

کارگران روستایی سرخپوست اغلب مجبورند مسافت زیادی را از خانه به مزارع بپیمایند و مخارج سنگین ایاب و ذهاب را از محل درآمد ناچیز خود متحمل گردند. بسیاری از آنها درازای اجاره یک اتاق کوچک، بمساحت ۷/۵ متر، اغلب ماهانه ۲۰۰ دلار کانادایی می پردازند. اینگونه «خانه»ها نه بخاری و تهویه دارد و نه وسائل بهداشتی.

تاکنون مقررات و قوانینی برای دفاع از حقوق و منافع کارگران سرخپوست در کانادا وجود نداشته است. کارگران روستایی سرخپوست برای پیشبرد منافع صنفی خود هر چه بیشتر در «سندیکای کارگران روستایی کانادا» متشکل میشوند، که دو ماه پیش تأسیس یافت. هر چند اینگونه افراد اغلب بی امید و بمرگ روبرو میگردند. سندیکای نامبرده اعضا ۳۰۰ عضو دارد.

در جهان سوسیالیسم

سرمایه گذاری هنگفت کشورهای سوسیالیستی در صنعت، کشاورزی و خدمات اجتماعی

در سال گذشته، کشورهای عضو " شورای همیاری اقتصادی مبالغ هنگفتی در صنعت، کشاورزی و خدمات اجتماعی سرمایه گذاری کردند. در سالهای ۵۸-۱۳۵۵، سرمایه گذاری جدید سبب گردید که تولید نیروی برق ۵۵ میلیون کیلووات، نفت ۷۷ میلیون تن، ذغال سنگ ۲۱۰ میلیون تن و سیمان ۲۲ میلیون تن افزایش یابد.

جدول زیر اطلاعات بیشتری درباره سرمایه گذاری کشورهای عضو "شورا" بدست میدهد:

کشور	۱۰۰٪ = ۱۳۵۴	۱ = ۱۳۲۹
بلغارستان	۱۱۲	۱۸
مجارستان	۱۱۸	۷
ویتنام	۱۵۱*	—
جمهوری دمکراتیک آلمان	—	—
کوبا	۱۱۸	۱۴
مغولستان	۱۲۵	—
لهستان	۱۴۱	۶۵
رومانی	۹۹	۱۲
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۱۴۸	۳۲
چکسلواکی	۱۱۶	۱۰
	۱۱۲	۸

* این رقم مربوط به سال ۱۳۵۷ است.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

دهقانان می نویسند:

دهقانان جونوش: صدای ما را به تمام روستائیان برسانید، تا بدانند از دست بازمانده فتودالها چه می کشیم

دهقانان روستای جونوش، فراهان اراک، طی نامه‌ای به دادسرای انقلاب اسلامی اراک، به تشریح مشکل خویش پرداخته‌اند. این دهقانان همچنین رونوشت نامه خود را به دفترنامه "مردم" ارسال داشته و نوشته اند:

"روزنامه محترم مردم - با احترام، عریضه‌های ضمیمه، که به حضورتان تقدیم می‌شود، رونوشت شوکتیه ما اهالی محروم و ستم دیده روستای جونوش فراهان اراک است، که به دادسرای انقلاب اسلامی اراک تقدیم داشته‌ایم. از شما تقاضا داریم صدای ما را به تمام روستائیان این ملک برسانید، تا بدانند ما از دست آخرین بازمانده فتودالهای ظالم چه می‌کشیم. با احترام اعضای شورای قریه جونوش."

دهقانان زحمتکش جونوش درابتدا متذکر شده‌اند:

"... ما بیچارگان چندین سال تحت تأثیر ظلم و جور طاغوتی و در زیر یوغ استعمار فتودالی و تحمل هرنوع فحایح و تجاوز و ارباب و اختناق از جانب کدخدای تام الاختیار ارباب بوده‌ایم. آنچه بعضی می‌رسانیم اینست که کدخدای رژیم طاغوتی ضداسلامی و ضدانقلابی، از فعالیت و اعمال منفور خود دست برنداشته و هنوز از شغل کثیف خودش استفاده می‌نماید."

دهقانان روستای مذکور، در ادامه نامه به طرح شکل خود پرداخته‌اند:

"... (کدخدا) تقریباً صد هکتار زمین از زمین‌های مشترک کشاورزان و بیچارگان را که در زمان مالکیت ارباب، با تراکتور ارباب و به نام ارباب، به تصرف درآورده بود، تحویل نداد و با مأمورین اداره کاملاً بند و بست داشت و به نام خودش نوشت."

زارعین جرات نداشتند جرفی بزنند و هنوز هم خیلی از آنها جرات ندارند... وی همیشه درصدد است، تا زمین‌ها را بفروشد، چون خیلی حساس است و قسمتی از این زمینها را به قیمت ۵۰ هزار تومان با زمینهای فوتبال اراک معامله نموده. تبه‌هایی در اطراف ده داریم که آثار باستانی محسوب می‌شود... تمام را دست رویشان گذاشته."

دهقانان سپس توضیح داده اند که: "... با این حال این شخصی بوسیله افرادی که از ایشان اطاعت می‌کنند، بعنوان کاندیدا برای امورتعاون معرفی گردیده است. آیا قانون اسلامی این را می‌پذیرد؟ آیا سزاوار است سرنوشت مردم بدست چنین افرادی قرار گیرد؟"

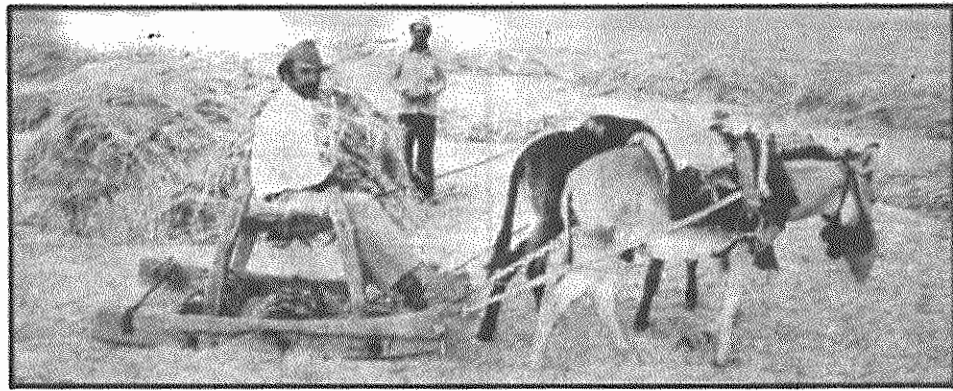
توضیحا اضافه می‌نمایند که نامبرده به آنچه عرض شد اکتفا نکرده، شن و ماسه رودخانه که مال کسی نیست و مال بیت المال است رافروخته و با شرکتی بیجان بسته از راست دولت آباد تا بیاید راست مخلص آباد، که خودش حساب می‌شود، هرماشین ۲۵ تومان، یک میلیون تومان شن دارد. چرامی خواهد این پولها را به جیب بزند و به مردم تعدی و کارشکنی کند.

این ده احتیاجات فراوانی دارد. راه نداریم، مدرسه نداریم، حمام بهداشتی نداریم، برق و آب لوله‌کشی نداریم، شعبه نفت و درمانگاه نداریم. تقاضای عاجزانه ما اینست، ما را از دست این گرگ آدم‌خوار نجات دهید."

این شکایت نامه در زیر خود حدود بیست تراکت و امضاء را دارد. امیدواریم افراد مسئول و مقامات دولتی اقدامات قاطع خود محیط روستائی را یکبار و رای همیشه از وجود ستم و جور پاک کنند. سیدگی به خواست این دهقانان وظیفه رگان‌های دولتی و انقلاب است.

اتحاد تمام اهالی روستا برای اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی ضروری است

روستای گشنگاه، در نزدیکی دریاچه مهارلو بزاز قرار دارد، که از طریق جاده کفترک به شیراز مل می‌شود. در این روستا ۱۷۰ خانوار خرده لک و ۵۴ نفر خوش نشین زندگی می‌کنند. در نزدیکی این روستا ۱۵۰ هکتار زمین دیمی جود دارد، که تا قبل از انقلاب، به علت اختلاف بن خرده مالکان و خوش‌نشینان، کشت نمی‌شد. نماز پروری انقلاب خوش‌نشینان متحد شدند و آینده‌های که سخنگوی آنها باشد، انتخاب ن عمل مهمی بود. عبدالرضا زارع، نماینده تخابی خوش‌نشینان، با مراجعه به شهر، به کای همبستگی خوش‌نشینان بی‌زمین، موفق شد



دهقانان جنوب با عقب مانده‌ترین وسایل کشت و برداشت میکنند (بوشهر)

دهقانان خواستار تقسیم زمینها هستند

"گا وگان" در شمال غربی آذربایجان واقع است. جمعیت آن حدود هزار نفر است.

بسی از روحانیان غیر متعهد گا وگان، که اکنون در قید حیات نیست، حاج شیخ الاسلام بود. وی یکی از مالکان بزرگ بحساب می‌آمد. در گذشته بیش از نصف زمینهای مرغوب گا وگان در اختیار او بود و طی دهها سال لایبکا رگرفتن زحمتکشان به غارت و چپاول آنها می‌پرداخت. زحمتکشان گا وگان، بویژه آنها شیکه برای اوبیکاری می‌کردند، از اعمال زشت و ناپسند وی خاطره‌های بدی بیاد دارند. از جمله زمینهای کجا و برای پسرش حاجی مصطفی بجا گذاشته، عبارتند از: "شلاق چمن"، قسمتی از زمینهای "چمن گا وگان"، "ابوانلی باغ" و زمینهای زیاد دیگر. "شلاق چمن" پس از انقلاب توسط روستائیان بین خودشان تقسیم کردند و به اکثر روستائیان کم‌زمین مقداری زمین رسید. اگر چه بخشی از زمینهای چمن گا وگان "که متعلق به "ندیمی" یکی از مالکین دیگر بود، مشمول تصمیمات شورای انقلاب واقع و تقسیم شده است. این ولی زمینهای "حاج شیخ الاسلام" در "چمن گا وگان" هنوز تقسیم نشده است و "ابوانلی باغ" و دیگر زمینها هم دست نغورده باقی مانده است.

"حاج سیف آقا" هم یکی دیگراز روحانی نماهای گا وگان بود. او هم که حدود ۱۵۰۰ سال پیش مرده است، یکی از مالکین "شلاق چمن" بود. مردم شلاق و گا وگان هیچ دل خوشی از این مالکین ندارند. اوز زمینهای مرغوب دیگری هم داشت که اکنون در دست پسرش "حاج میرا بولفضل" است، که هنوز هم تقسیم نشده است.

مساحت "چمن شلاق" در حدود ۱۵۰۰ خروار است. هنگامی که هیئت ۷ نفری اصلاحات ارضی شروع بکار کردند، با دیدن واقعیات را در نظر داشته با شد و زیر سر بار هیچگونه اعمال نفوذ نرود. دست کلیه بزرگان مالکان بدون استثناء باید کوتاه شود.

رسیدگی به مسئله زمین در این روستا بر اهمیت است. ما حیان وسایل تولید، در هر لباس و نقشی که باشند، کا خنشین آندوبه ره کش و زور کو و طبیعتا در کنار کاخ زورور آنها، کوخ‌نشینها هم وجود خواهند داشت. با دیدن سلب مالکیت از مالکان بزرگ و فتودالها منطبق با روح انقلاب، که انقلا ب مستضعفان علیه مستکبران است، به نیا زهای زحمتکشان تپی دست هر چه زودتر با سخی مثبت داد. دهقانان چشم امید به هیئت هفت نفره دوخته‌اند حالا موقع عمل است.

دهقانان تپی دست قیبه‌باشی در انتظار زمین

روستای قیبه‌باشی، در بخش کلیبر شهرستان اهر واقع است. در این روستا چهار صد خانوار، که ۲۵۰۰ نفر را در بر می‌گیرد، زندگی می‌کنند. از این چهار صد خانوار، چهل خانوار فاقد زمین و بقیه عمدتا "کم - زمین هستند. در قیبه‌باشی قسمت عمده زمین ها در تملک ده نغز زمیندار بزرگ است. سه تن از مالکین زمینهای بی‌مساحت سیمصد تا چهار صد و پنجاه هکتار در اختیار دارند. این افراد برای کشت و برداشت گندم و جو و تهیه علوفه از مراتع، از روستائیان کم زمین و بی‌زمین، با دریافت بهره کم‌تر، استفاده می‌کنند. مالکین مذکور طی پانزده سال اخیر با زور، زمینهای دهقانان را بناحق تصاحب کرده‌اند.

علاوه بر زمین، آبیاری یکی دیگر از مشکلات اهالی زحمتکش این روستا است. روستای قیبه‌باشی همچنین فاقد مکانات رفاهی و درمانی از قبیل جاده، درمانگاه و غیره است.

در این روستا مدرسه‌ای گلی و در حال تریزش وجود دارد. بدین خاطر و به لحاظ عدم استطاعت مالی اهالی، اکثریت روستا - زادگان قدرت برخورداری از تحصیل ندارند. اهالی این روستا همچون دیگر زحمتکشان روستای کشورمان خواهان اجرای سریع و بی‌لذنگ قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب هستند.

مسائل دهقانی

گرفتن اهمیتی که اقتصاد کشاورزی در اعتلای وضع عمومی و تامین استقلال اقتصادی کشور دارد، بحق باید به چنین مراکز خدماتی، که مستقیما و عملا در امر تولید موثر واقع شوند مستقیما و عملا بخود دهقانان یاری رسانند حد اکثر توجه را چه از نظر اعتباری و مالی و چه از نظر فنی و اداری، مبذول کرد.

برای گام اول، این مقدار اعتبار تخصیص داده شده، ولی شک نیست که گا مهای بعدی، هم در جهت چندین برابر کردن آن و هم در جهت مدیریت درست و تجهیز فنی کامل آن لازم است و برداشتن آنها اهمیت حیاتی دارد. آنچه پیش از همه حائز اهمیت است، از دست ندادن این قطب نمای اساسی است، که همه اینها در خدمت زحمتکشان روستاها خرده‌پاها و میلیونها تولید کننده نیازمند قرار گیرد.

معاون وزیر کشاورزی در مصاحبه خود نکات اساسی مهمی را در این زمینه یادآور شده است، از جمله: انتقال واحد کشاورزی و برنامهریزی به دهات و به مشکلات روستائیان، برنامه ریزی امور تولیدی ده بمتنا به یک کار بنیادی ارائه خدمات به دهقانان خرده پاشی که صاحب زمین شده و میشوند.

این برداشتها، اگر در عمل نیز از جانب دهقانان احساس شود و در کار و تولید آنها حضور روزمره و دائمی داشته باشد، نسبت به آنچه در زمان طاغوت میشده، تغییر مهمی ایجاد نخواهد کرد، که شایسته دستگاه اداری دوران انقلاب است. آنچه ضروری است پیوند بین نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی که تا شیروکارائی خویش را در عمل ثابت کرده‌اند.

اختصاص دادن مبالغ لازم در بودجه - های اقتصاد کشاورزی برای این مراکز خدمات تولیدی است، که با توجه به میزان نیازها و وسعت کشور بارها و بارها بیس از اینها احتیاج خواهد بود، انجام تحول عمقی در دستگاه اداری وزارت کشاورزی است، بنحوی که آنرا از باری بر دوش دهقانان به خدمتگزار و یاور دهقانان بدل کند.

شالوده اساسی همه اینها، اجرای قانون اصلاحات ارضی است، که بزرگ مالکی را بیکلی ریشه کن کند و به پیچ بهانه و دستاویزی ادامه استثمار و زور گوئی بردهقانان زحمتکش را اجازه ندهد. تمام تدابیر فنی و اداری، هر قدر هم عالی و کار ساز باشند و با حسن نیت و علاقه اتخاذ شده باشند، هنگامی مشمر ثمر خواهند بود و بحل مشکلات کمک خواهند کرد، که از نظر سیاسی و اجتماعی بر روی شالوده‌های درست و سالم بنا نهاده شوند و شالوده سالم در این مورد عبارت است از: الف) الفای بی نیروی بزرگ مالکی و همه آثار آن، خدمت بی چون و چرا و کامل بزحمتکشان روستائی و احیای کشاورزی مستقل و سالم.

اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین ضروری است. در این مورد و هنگامی که اختلافهای متکی به سند یا قدیمی موجود است و یا زمینها کافی نیست و طرفین همه از زحمتکشان هستند، می‌توان با تولید تعاونی شرایط مناسبی برای کار روی زمینها فراهم کرد.

دهقانان باید توجه داشته باشند که رمز پیروزی آنها در گرو این اتحاد است.

ایجاد مراکز خدمات کشاورزی یک تدبیر مؤثر و مهم

یکی از تدابیر بنیادین و مفیدی که وزارت کشاورزی اتخاذ کرده، تشکیل مراکز خدمات کشاورزی است.

دهقانان ایرانی هم اکنون - وبخصوص پس از اجرای دقیق وی پی کی - قانون اصلاحات ارضی و زمین دار شدن - احتیاج به کمک همه جانبه دارند و خواهند داشت. اگر دهقان زمین داشته باشد، ولی وسیله کار و کشت نداشته باشد و از نظر فنی و مالی - لاقا در حد حیات - ترین نیازمندیها تا مین نگرده، باز مقصود، که عبارتست از احیای کشاورزی، و بالابردن تولید و بهبود وضع زندگی روستائیان حاصل نخواهد شد. از این نظر تصمیم به ایجاد مراکز خدمات کشاورزی تصمیمی بجا معقول و کاملاً ضروری است.

این مراکز وظیفه دارند که در درجه اول بذور و کود تراکتور و کمباین یعنی وسایل ضروری کاشت، داشت و برداشت را در اختیار دهقانان بگذارند. بر روی زمینها که مال خود دهقانان است یا بر روی مالکیت مشاع، که تعاونی تولید در آن ایجاد شده، یک چنین سیستم معاضدت و یاری رساندن به تولید حائز اهمیت درجه اول است.

اگر این مراکز واقع عمل کنند و مرکز فعالیت و کار و تولید باشند، میتوان امیدوار بود که تعدادی دیگر از صورت قرص مسکن در دهها بدر آید و صورت یک وسیله موثر و هر م نیرومند ایجاد اقتصاد کشاورزی شکوفای و سالم را بخود بگیرد.

در واقع هم واگذاری زمینها به دهقانان تپی دست و الفای کامل بزرگ مالکی تنها هنگامی کامل خواهد شد و ثمرات نیکوی آن مشهود خواهد شد، که دهقان زمین خود، یا گروه دهقان در تعاونی و مالکیت مشاع خود، تمامی اشرا ت امریکه دولت را احساس کنند و از این امر که دولت انقلابی دیگر مال خود آنها و در خدمت آنها است، در عمل بهره‌گیرند.

فعلا برای ایجاد این مراکز - طبق گفته‌های خالیدی معاون وزارت کشاورزی - ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده، که ۱۵۰ میلیون آن خرج شده و ۵۵۰ میلیون دیگر برای یک طرح ضربتی است. واضح است که اهمیت و مقایسه که مراکز خدمات کشاورزی میتواند برای احیای کشاورزی ایران و از دیدن محصولات زراعی و دامی کشور ما داشته باشند، بحدی است و میزان نیازها با اندازه‌های زیاد است، که این مقادیر تنها میتواند برای اولین کارها و طرحهای ضربتی نخستین کافی باشد. با در نظر گرفتن شرایط مشخص کنونی و امید اینکه اصلاحات ارضی در تمام مسای ایجاد خود کاملاً عملی شود و کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین صاحب آب و ملک فردی یا تعاونی شوند، با در نظر گرفتن وضع اسفناک کشاورزی، که رژیم گذشته آنرا به نابودی کشاند، با در نظر

که اجازه کشت زمینهای دیمی را بگیرد. خوش نشینان ۸۰ هکتار و عده‌ای از خرده مالکان ۷۰ هکتار از این زمینها را کشت کردند. خوش‌نشینان در اراضی خود گندم و جو کاشتند. پس از مدتی خوش‌نشینان، بعلت کمی وسعت اراضی، خواستار آن شدند که ۷۰ هکتار زمینهای دیمی دیگر به تملک آنها درآید، در حالیکه دشمن مشترک دهقانان، ارباب و زمیندار بزرگ است. متأسفانه در این محل دهقانان خوش نشین و خرده مالکان به‌جانب هم افتادند. ۷۰ هکتار زمین دیمی سبب اختلاف و درگیریهای بین خرده مالکان و خوش نشینان شد و حتی کار به نزاع جمعی کشید.

مسئولین اموری باید به وضع مالکیت روستاهای ایران رسیدگی فوری کنند و مانع درگیری بین اهالی روستاها شوند. اتحاد تمامی اهالی روستا برای اجرای قانون

دهقانان کم‌زمین وی زمین!

با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوسز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر به آویسد شما اجرا شود

یادداشت سفیران!

چند روز پیش، سفیران کشورهای اتریش، نروژ، سوئد، سوئیس، فنلاند، استرالیا، اسپانیا، یونان و ولاند جدید با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ملاقات کردند و ضمن تبریک به ایشان به مناسبت انتخابشان به ریاست مجلس شورای اسلامی، "در اجرای دستورات و تعلیمات دولت‌های متبوع" خودشان "یادداشتی" نیز به آقای رفسنجانی تسلیم کردند.

ما نمی‌دانیم از نظر موازین دیپلماتیک، اصطلاح "یادداشت" را در این مورد می‌توان بکار برد یا نه، زیرا تاکنون نشنیده‌ایم که دولت‌ها "یادداشت" خودشان را به رئیس قوه مقننه کشوری داده باشند. ولی به نظر می‌رسد که این "نوآوری" نیز بی‌حکمت نبوده است. بهرحال ظواهر امر کمتر از محتوای اقدام سفیران "در اجرای دستورات و تعلیمات دولت‌های متبوعشان" حائز اهمیت است و ما نیز به همین محتوا می‌پردازیم. سفیران در "یادداشت" خود، که گردهای از نامه کنگره آمریکا به مجلس شورای اسلامی است، "نگرانی عمیق" خود را از عواقب اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد گروگان گیری جاسوسان امریکائی اعلام می‌کنند و دولت ایران را از نتایج این اقدام که "نه تنها به نفع ایران نبوده، بلکه به نفع هیچ دولتی نخواهد بود" برحذر می‌دارند و اشاره‌ای هم به "لزم حفظ صلح بین‌المللی" می‌نمایند که درحقیقت تهدید غیرمستقیم ایران به جنگ از طرف آمریکا به دلیل "نقض قوانین بین‌المللی" از طرف دولت ایران است.

"یادداشت" چیز تازه‌ای در خود ندارد و سخنانی است که بارها نمایندگان امپریالیسم آمریکا گفته‌اند و جواب ما را نیز شنیده‌اند. آنها ما را به "نقض قوانین بین‌المللی" متهم می‌کنند و ما هم آنان را. ما می‌گوئیم دیپلمات‌ها طبق "قوانین بین‌المللی" حق ندارند از پوشش دیپلماتیک و مصونیتی که به موجب قراردادهای بین‌المللی به آنها تعلق می‌گیرد، جز در جهت فعالیتهای دیپلماتیک، و به عبارت دیگر جز در جهت بهبود مناسبات بین کشور مقیم و کشور متبوع خود استفاده کنند. اگر کشوری این روح قراردادهای بین‌المللی را نقض کرد و نمایندگی سیاسی خود را به مرکز توطئه و دسیسه برای براندازی نظام موجود در آن کشور تبدیل نمود، دیگر حق استفاده از مصونیت سیاسی را ندارد. مصونیت سیاسی را به نمایندگان دیپلماتیک کشورهای دیگر نمی‌دهند که بهتر بتوانند برضد کشور مقیم دشمنی کنند، بلکه مصونیت سیاسی ابزاری است که تنها می‌توان برای تحکیم روابط مودت بین کشورها از آن استفاده کرد.

ولی امپریالیسم آمریکا زیر پوشش همین مصونیت سیاسی صدها کودتای ضدانقلابی در امریکای لاتین تدارک دید، که کودتای فاشیستی شیلی فقط یکی از آنان بود. امریکائی‌ها کودتای ۲۸ مرداد را نیز بوسیله نمایندگان سیاسی خودشان، با همکاری نمایندگان سیاسی بریتانیا در ایران تهیه دیدند. الان سفیران این دولتهای ظاهرالصلاح آمده‌اند و به ایران هشدار می‌دهند که "نقض قوانین بین‌المللی نه تنها به نفع ایران نبوده بلکه به نفع هیچ دولتی نخواهد بود". بسیار خوب آقایان خیراندیش! به دولتهای متبوع خودتان بگوئید به سفیرانشان در ایالات متحده دستور دهند که همینطور دسته‌جمعی به وزارت امور خارجه آمریکا مراجعه کنند و تنها تذکر بدهند که دولت آمریکا با تبدیل سفارتخانه خود به مرکز توطئه و خصومت برضد نظام جمهوری اسلامی ایران، با دخالت پنهان و آشکار، از تجاوز نظامی گرفته تا جنگ روانی، برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، "قوانین بین‌المللی" را نقض کرده و "صلح جهانی" را به خطر انداخته است.

شما چه تصویری کنید؟ آیا دولتهای متبوع آنان چنین دستوری را صادر خواهند کرد؟ هرگز! سرشان را ببرید، چنین جسارتی به سردمدار دنیای سرمایه‌داری، که همه خود اجزای کوچک و متوسط آن هستند، نمی‌کنند، اما می‌آیند که ایران را زیر فشار بگذارند، تا موضعش را نسبت به

امپریالیسم آمریکا تعدیل کند.

"آیا آنان واقعا برای "حفظ صلح جهانی" به تلاش افتاده‌اند، و یا پیوندهای ناگسستی اقتصادی، سیاسی، نظامی آنان با امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری جهانی، آنان را به ایفای نقش "دلال مظلمه" برانگیخته است؟

ظاهر قضیه آنست که گروهی از کشورهای کوچک و متوسط، که برخی از آنان "بیطرف" هم هستند، آمده‌اند که برای رضای خدایین ایران و آمریکا پادرمیانی کنند و از تشنج بین دو کشور جلوگیری نمایند. ولی اولاً اکثر این کشورها جزء اتحادیه‌های سیاسی و نظامی امپریالیستی هستند، که در تمام آنها نقش درجه اول را امپریالیسم آمریکا بازی می‌کند؛ نروژ، استرالیا، زلاند جدید، یونان هم‌اکنون اعضای این اتحادیه‌ها هستند. اسپانیا هم تمام تلاش خود را برای ورود به "ناتو" بکار می‌بندد.

ثانیاً سایر این کشورها نیز فقط در ظاهر بیطرف‌اند. سوئیس یکی از مراکز مهم سرمایه مالی جهانی است. در سوئد و اتریش هم شرکت‌های چند ملیتی و انحصارات بزرگ بین‌المللی زمام امور اقتصادی و سیاسی را در دست دارند. این واقعیت را باید دانست و تاکید کرد که سیستم سرمایه داری جهانی امروز سیستم واحدی است.

البته گاهی در بین انحصارات بزرگ امپریالیستی که زمام امور کشورهای سرمایه‌داری را در دست دارند، بر سر غارت بیشتر خلقها، اختلافاتی پدید می‌آید. اما تمام این کشورها، در دفاع از سیستم سرمایه‌داری، به منزله یک نظام اقتصادی-اجتماعی همدست و هم‌پیمانند و به همین دلیل هم در برابر انقلاب ایران، که ضربه شدیدی بر مواضع امپریالیسم وارد ساخته است جبهه مشترکی تشکیل داده‌اند و هر یک در این جبهه نقشی بعهد گرفته‌اند. به همین دلیل، تردیدی نداریم که این اقدام سفیران کشورهای کوچک و متوسط سرمایه‌داری نیز با راهنمایی دولتهای بزرگ امپریالیستی و قبل از همه خود آمریکا انجام گرفته است. این اشتباه محضی است که کسی تصور کند مثلا نروژ، چون یک کشور کوچک سرمایه‌داری است، نمی‌تواند و نمی‌خواهد به منافع کشورها تجاوز کند. تجاوز به منافع کشورهای دیگر از ماهیت روابط سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد، نه از کوچکی و بزرگی کشورها. کشورهای نظیر اسپانیا، پرتغال و هلند، که اکنون خود را کشورهای کوچک و متوسط می‌نامند، تا همین اواخر صاحب امپراتوریهای مستعمراتی وسیعی بودند، که دهها بار وسیعتر از سرزمین خود آنها بود. امروز هم اگر جهان به همان محور سابق می‌گشت و مستعمرات نمیتوانستند به پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، استقلال خود را بدست بیاورند، پرتغال در آنگولا، موزامبیک و سایر مستعمراتش خون انسانها را در شیشه میگرد.

هلند، این کشور با اصطلاح کوچک، صاحب یکی از بزرگترین انحصارات نفتی است که سالیان دراز در استخراج بیرحمانه مردم ما، دوش بدوش انحصارات امریکائی و انگلیسی شرکت داشته است. آری، کشورهای سرمایه‌داری، هنگامی که پای منافع آن بمنزله یک سیستم در میان باشد، از کوچک و بزرگ با هم همکاری می‌کنند.

"یادداشت" آقایان سفرا به رئیس مجلس شورای اسلامی ایران نشانه‌ای از همین همکاری است و جواب دندان‌شکن حجت‌الاسلام رفسنجانی به آنها نیز، که "سفارت آمریکا یک جاسوسخانه بود... و ما ردیای دیپلمات‌های امریکایی را در ترور گروه فرغان پیدا کردیم"، جواب به "پادر-میانی" بیجای آنها.

سفیران کشورهای نامبرده، اگر حسن نیتی دارند و دلشان بخاطر "حفظ صلح" می‌تپد، از دولتهای خود بخواهند که از آمریکا، این جانور خونخوار، مثلا بپرسد: این همه ناو جنگی را برای چه در برابر آبهای ما متمرکز کرده است؟ آیا زورگویی به یک کشور عضو سازمان ملل متحد، طبق اساسنامه آن سازمان، نقض حقوق بین‌المللی نیست؟

آقایان سفرا! آدرس را عوضی گرفته‌اید!

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال:

انتخابات پائیز دوراهی است سر نوشت ساز

پورتو" درباره اوضاع پرتغال بعمل آورد و آنرا مبدا تعیین استراتژی و تاکتیک خود برای رویارویی با مسائل بنیادی آن کشور قرارداد.

بموجب این تحلیل، باگسترش جنبش توده‌ای زحمتکشان، از یکسو هرچه بیشتر به توان نیروهای دمکراتیک افزوده می‌شود، و از سوی دیگر نیروهای ارتجاع تضعیف و به عقب‌نشینی مجبور می‌گردند؛ برای نمونه، پیش از تعطیلات تابستانی، ائتلاف راستگرایان در پارلمان، که تنها از اکثریتی بسیار ناچیز برخوردارند، با خطر جدی فروپاشی روبرو شد. حتی یکی از سخنگویان محافل راستگرا مجبور گشت، اعتراف کند، که کوششان برای تغییر برخی قوانین دمکراتیک، با دشواریهای فراوان مواجه بوده است. شکی نیست، که یکی از این کوششهای ناگام، تلاش عبث برای تغییر قانون انتخابات، بسودنیروهای راستگرا، بوده است.

حزب کمونیست پرتغال در عین حال هشدار می‌دهد که ارتجاع کماکان سنگرهای کلیدی رادر دستگاه دولت، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها در تصرف دارد و بویژه به منابع عظیم مالی اشاره می‌کند، که بدون تردید، در جریان تبلیغات انتخاباتی در اختیار آن قرارداد خواهد شد. همین چند هفته پیش، اسقف‌های کاتولیک پرتغال (یعنی روحانی‌نمایان عالی‌مقام طرفدار مستکبران) با انتشار فتوایی علیه "مارکسیست‌ها و آزادیخواهان" به یاری نیروهای ارتجاع شتافتند.

از سوی دیگر، نیروهای مخالف رژیم همچنان در تفرقه بسر می‌برند. رهبری "حزب سوسیالیست" که با دو گروهک دیگر در "جبهه" انتخاباتی جمهوریخواهان و سوسیالیست‌ها" ائتلاف کرده است، نه تنها همچنان راه ضدکمونیستی خود را می‌پیماید، بلکه حتی از قبول هرگونه پیشنهاد همکاری از سوی حزب کمونیست پرتغال خودداری می‌ورزد.

با اینهمه، حزب کمونیست پرتغال، در برنامه انتخاباتی خود باردیگر مسئولیت شناسی اصولی خود رادر برابر زحمتکشان آن کشور به ثبوت می‌رساند و نیروهای دمکراتیک رافرا می‌خواند که با اتحاد عمل خود، دسیسه‌های ارتجاع راعقیم سازند و با پاسداری از دستاوردهای انقلاب در راه تعمیق و تسریع روند انقلاب گام بردارند.

چندی پیش کمونیستهای پرتغال برنامه خود را برای انتخابات پارلمانی آن کشور، که در اوایل پاییز سال جاری برگزار خواهد شد، منتشر ساختند. بیست و چهار ساعت پس از انتشار این برنامه و با گشایش جشن روزنامه "آوانته"، ارگان مرکزی حزب کمونیست پرتغال، بحث وسیعی درباره برنامه نامبرده در میان ۱۸۷ هزار عضو متشکل "حزب" و صداهزار نفر از هواداران آن آغاز گشت.

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال خاطرنشان می‌سازد، که انتخابات پائیز امسال به منزله دوراهی سرنوشت سازی است، که یک راه آن ادامه راه انقلاب فاشیسم برانداز ۱۳۵۳ خواهد بود و راه دیگر احتمالاً به گذشته فاشیستی منتهی خواهد شد. حزب کمونیست پرتغال، که مهم‌ترین نیروی گروه ائتلافی "پووا اونیدو" (خلق متحد) مرکب از احزاب و گروههای مترقی و چپ آن کشور را تشکیل می‌دهد، هدف انتخاباتی نیروهای دمکراتیک و ترقی‌خواه پرتغال را کوشش پیگیری برای پاسداری از مواد دمکراتیک قانون اساسی در برابر حملات ارتجاع، تعریف کرده است.

یکی از مهم‌ترین وظایفی که برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال در برابر مردم آن کشور می‌نهد عبارتست از دفاع از حقوق و آزادیهای دمکراتیک و دستاوردهای درخشان انقلاب، بویژه ملی کردن صنایع و اصلاحات ارضی، که علی‌رغم دستبردهای بیایی ارتجاع، سرشت‌اصیل آنها تاکنون حفظ شده است، و مبارزه در راه بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان پرتغال. حزب کمونیست پرتغال تاکید می‌کند، که کوشش در راه تحکیم صلح و امنیت، همبستگی بین‌المللی و همکاری، بویژه با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال یافته، باید مهم‌ترین عناصر سیاست خارجی براساس ملی و استقلال طلبانه پرتغال را تشکیل دهند. حزب کمونیست، در این گستره، مخالفت شدید خود را با پیروی از اهدافی تجاوزکارانه "ناتو" و استقرار سیستم‌های موشکی جدید در اروپا اعلام می‌دارد.

برنامه انتخاباتی نامبرده بر پایه تحلیلی استوار است، که حزب چند هفته پیش در "کنفرانس

باز کردن اخبار دروغ و تحریک آمیز منابع امپریالیستی درباره رویدادهای افغانستان تاکی ادامه خواهد داشت؟

در سرتیهای مسلح، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، ارتباط آنان با عمل امپریالیسم آمریکا و دواتر جاسوسی آن افشاء گردیده و در مطبوعات و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز زارتاب یافته و از جانب مقامات و شخصیت‌های مسئول مورد تأیید قرار گرفته است، چرا بازم به استناد گزارشها و اطلاعاتی که این دفاتر و جمعیتها درباره رویدادهای افغانستان اخبار و گزارشهای کاملا دروغ و تحریک آمیز منتشر می‌شود؟

هدف این کارزار تبلیغاتی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان چیست و به نفع چه کسانی است؟

توصیه‌های کارتر- برژینسکی را به یاد بیاوریم که تیره‌شدن روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایگانش را از عوامل تضعیف مواضع بین‌المللی انقلاب ایران و زمینه مساعد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در این صورت استفاده از منابع خبری دول امپریالیستی در تبلیغات علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، صرفنظر از انگیزه چنین تبلیغاتی، عملاً درست تحقق همان توصیه‌های کارتر- برژینسکی قرار می‌گیرد.

انتشار گزارشها و اخبار منابع امپریالیستی درباره رویدادهای افغانستان، تنها می‌تواند به تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان کمک کند و به نفع آن محافلی باشد که با انقلاب ایران و انقلاب افغانستان خصومت می‌روزند و علیه رژیمهای انقلابی در هر دو کشور همسایه نوطه می‌چینند.

در عین حال انتشار اینگونه اخبار، ناشران آنرا در نزد خوانندگان بی‌اعتبار می‌سازد، زیرا واقعیات رویدادهای افغانستان و رژیم دمکراتیک در آن کشور، که روز به روز با ثبات‌تر و ازبستگی‌بانی اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان برخوردار می‌شود، و بر مشکلات و دشواریهایی که از جانب نیروهای ضدانقلاب ایجاد گردیده، فائق می‌آید، این تبلیغات دروغ و مغرضانه را رسوا می‌سازد.

در بسیاری از روزنامه‌ها و همچنین در برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، اخبار و گزارشهایی از قول خبرگزاریها و دیگر منابع امپریالیستی درباره رویدادهای افغانستان همچنان انتشار می‌یابد.

این اخبار و گزارشها در دستگاه همان خبر-نگاران و گزارشگران و خبرگزاریهای امپریالیستی ساخته و پرداخته می‌شود، که اخبار و گزارشهای تحریک آمیز و دروغ درباره انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهیه می‌کنند و از طریق مطبوعات کشورهای غربی، رادیو بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، رادیو بغداد و طی ماههای اخیر- فرستنده‌های اویسی و بختیار با هدف تحریک و توطئه و ایجاد عدم اعتماد و بدبینی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شوند.

در صورتی که اخبار و گزارشهای این منابع غربی خدمتگذار امپریالیسم آمریکا درباره انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رویدادهای کشور ما سرتاپا دروغ، ساختگی و تحریک‌آمیزند و باهدف معین تضعیف مواضع انقلاب و ایجاد تفرقه و ناامنی و بدگمانی، نسبت به انقلاب و رهبری آن تهیه می‌شوند و انتشار می‌یابند، چگونه است که اخبار ساختگی و تحریک آمیز همین منابع درباره رویدادهای افغانستان، برای مطبوعات و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، موق و قابل استنادند؟

باین که ماهیت دفاتر و جمعیت‌های به اصطلاح اسلامی افغانی، فعالیتهای مخرب و شرکت‌های و وابستگان به این جمعیت‌ها

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، بگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترکان است

چشم سالگرد استقلال افغانستان با شکوه تمام برگزار شد

شصت و یکمین سالگرد استقلال افغانستان از یوغ امپریالیسم خون-آشام انگلیس، باشکوه فراوان در سرتاسر کشور برگزار شد.

روز ۱۹ اوت ۱۹۱۹، در نتیجه ضربات درهم شکننده‌ای که ارتش و خلق افغانستان به نیروهای استعماری انگلیس وارد کردند، افغانستان استقلال کامل خود را بدست آورد. مردم افغانستان در جشن‌هایی که در سرتاسر کشور برپا کردند، اعلام داشتند که قاطمانه از دستاوردهای انقلاب کشور حمایت خواهند کرد. شخصیت‌های اجتماعی افغانی، بویژه اهمیت مرحله دوم انقلاب را مورد تاکید قرار داده‌اند.

در نتیجه انقلاب افغانستان، برنامه اصلاحات ارضی سرعت اجرا می‌شود و دهقانان از یوغ فئودالیسم و زمین‌داران مفتخوار و خون‌آشام آزاد میشوند. حقوق برابر همه ملیت‌های ساکن در افغانستان اعلام و براساس قانون تضمین شده است. تلاش‌های گسترده‌ای برای بالابردن سطح زندگی توده‌ها در جریان است و مردم افغانستان روزبه‌روز ضربات دره‌ب-شکننده‌تری به مزدوران امپریالیسم و ارتجاع جهانی وارد می‌سازند.

بیرگ کارمل، رهبر افغانستان، در نظمی بمناسبت سالروز استقلال افغانستان، از مردم خواست که علیه توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی هرچه بیشتر متحد شوند. وی گفت که در پیروزی خلق افغانستان در مبارزه خود علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، چین، مصر و پاکستان نمیتوان تردید داشت.

کارمل از کمک‌های اتحادشوروی به انقلاب افغانستان ستایش کرد و گفت بمحض آنکه مداخله خارجی در امور افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی از کشور خارج میشوند.

از سوی دیگر، لئوید پرژوف و آلکسی گاسیگین، رهبران اتحاد شوروی، سالگرد استقلال افغانستان را به بیرگ کارمل شادباش گفتند. رهبران شوروی یادآور شدند که کشور جوان شوروی، برهبری لنین بزرگ، نخستین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و روابط براساس برابری کامل میان دو کشور برقرار شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: نامه پراکنی‌های مقامات آمریکائی زمینه‌ساز توطئه جدید امپریالیسم آمریکاست

اسخ نامه نمایندگان کنگره آمریکا، ادعای نامه‌ای علیه امپریالیسم آمریکا و جنایانش در ایران خواهد بود.

نماینده مشهد: سپاه پاسداران باید از نظر تجهیزات و تعداد تقویب شود.

جلسه علمی دیروز مجلس بریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی و با حضور ۱۸۳ تن از نمایندگان ساعت ۹:۲۰ رسمیت یافت. اولین نطق قبل از دستور جلسه دیروز، امین ناصری، نماینده آستانه اشرفیه، در سخنانی بیرامون اهمیت انقلاب ایران و کوتاهی بعضی از مسئولین مملکتی در قبال آن گفت: «ملت ما در طول دورانی که از انقلاب گذشته است، ثابت کرد که لیاقت، شجاعت و از خودگذشتگی لازمه آن را دارد. ما در مقابل ملت‌های منطقه و مستضعفین جهان که امید بسیار به انقلاب ایران دارند، مسئولیت بزرگی داریم. اما چگونه با این مسئولیت برخورد کردیم؟ مسئولین ما بجای اینکه به مردم منطقه بیندیشند و به آنان اصالت‌دهند، به سران مرتجع و وابسته‌شان ارزش قائل می‌شوند و با آنها بر سر میز مذاکره می‌نشینند».

وی درباره شرائط کنونی انقلاب ایران سخن گفت و افزود: «مسئولین گذشته دولتی آنچه‌ان که باید نتوانستند چهره انقلاب را منعکس کنند. ما اکنون در آستانه تشکیل کابینه جدید هستیم. ما از نخست‌وزیر می‌خواهیم که همانطور که قول داده‌اند (و تا آنجا که پیداست عمل می‌کند) مسئولین مملکتی را از میان نهادهای انقلابی انتخاب کنند. این نهادها نشان داده‌اند که حتی با کمبود امکانات تا چه حد فداکارانه به انقلاب خدمت کرده‌اند. ما می‌خواهیم که مسئولین از میان این جوانان پاک‌پاخته انقلابی انتخاب شوند... و در آن صورت مردم و امام از دولت حمایت خواهند کرد...»

محمّدی، نماینده همدان با استفاده از وقت آقای ناصری، از جمله درباره نقش رادیو تلویزیون گفت:

«حرف امام را در این پاره تکرار می‌کنیم که گفتند رادیو تلویزیون و مطبوعات باید تصفیه بشوند و یک عنصر غربی هم در آنها نماند...»

محمدصادق عیدهدائی، نماینده مشهد، ناطق بعدی مجلس، ابتدا حادثه انفجار گیسواران را به بازماندگان، مردم و امام تسلیت گفت و سپس درباره نقش سپاه پاسداران افزود: «چشم انقلاب به این جوانان پرشور و پاک‌پاخته دوخته شده است. این جوانان باید آزموذگی کامل برای دفاع از انقلاب داشته باشند. اینها باید کاملاً تقویب شوند، بطوریکه ما در بین پاسداران هزاران چرباز و خلبان داشته باشیم. پاسداران باید تعالیم و آموزش‌های نظامی سنگین ببینند و از هر نظر ورزیده شوند. توصیه می‌کنیم که با آموزشی سریع سپاه و افزایش تعداد آنها یک گردان انقلابی آموزش‌دیده را در کنار ارتش تربیت کنیم و تشکیل دهیم...»

وی آنگاه به وظیفه وزارت ارشاد ملی اشاره کرد و گفت: «این وزارت‌خانه در رابطه با وزارت خارجه می‌تواند به هر سفارت‌خانه ایران یک مبلغ متحد و مسئول اترام کند، چرا که سفارتخانه‌ها نقش مهمی دارند، بطوریکه در زمان رژیم سابق همان نقش را که ساواک در ایران داشت، آنها در خارج داشتند. افرادی که در آنها بودند، صد در صد وابسته بودند. اینهایی که سریعاً باید تصفیه و پاکسازی شوند. ثانیاً وزارت ارشاد ملی باید مرتب مردم را در جریان انقلاب قرار دهد. قلم‌های مسموم غرب‌پزده مشغول تبلیغات علیه انقلاب ما هستند. وظیفه اینها و رادیو تلویزیون است که این تبلیغات مسموم را خنثی کنند» وی در پایان سخنانش به لزوم تغییر سیستم بانکی و زدودن آثار سیستم طاغوتی در آن اشاره کرد و توضیحاتی در مورد وضع حوزه انتخاباتی خود داد.

صلواتی، نماینده اصفهان، ناطق بعدی مجلس بود. او به مبارزه مردم اصفهان در سرنگونی رژیم شاه سابق و کوشش آنان برای گسترش انقلاب اشاره کرد و خواهان رسیدگی سریع به مشکلات مردم مستضعف این شهر شد. وی در اشاره به مشکلات مردم گفت: «گرانی، تورم، محاصره اقتصادی و بیکاری به وضع بد زندگی دامن زده است. مردم می‌خواهند که دست واسطه‌ها از زندگی آنان کوتاه شود و پیشنهاد می‌کنند که دولت خود نقش بین تولید و مصرف را با استفاده از جوانان مومن و متمهدی، که اکنون با مشکل بیکاری سردرگریانند، بعهده بگیرد...»

پس از خاتمه نطق‌های قبل از دستور نمایندگان، محمد خاتمی، مخبر کمیسیون امور خارجه مجلس ضمن اشاره به نامه نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «کمیسیون امور خارجه باتفاق آراء تصویب کرد که به این نامه

جواب داده شود. وی در توضیح افزود: «آنچه مسلم است ما در بزرگترین معرکه تاریخ هستیم و آمریکا بعنوان بزرگترین قدرت مادی خنثی‌شده بر جنگی تمام عیار علیه ما دست زده است، این جنگ، جنگی است میان نظامی که مظهرش آمریکا است، که سرشت و ماهیتی جز قلدری و جفاور ندارد. و ملتی که برای دفاع از ایمان و آرمانی به مبارزه برخاسته است. طبیعتاً هیچگونه سازشی در این نبرد نخواهد بود. ما باید این اصل، یعنی سازشی ناپذیری و قاطعیت را پایه و مایه سیاست خارجی خود قرار دهیم».

وی افزود: محاصره اقتصادی و توطئه‌های بزرگ خارجی و داخلی که امپریالیسم آمریکا علیه ما اجرا می‌کند، در کنار جنگ تبلیغاتی عظیمی که توسط رسانه‌های گروهی غرب، که اغلیشان کارگزاران امپریالیسم هستند، علیه ما انجام می‌گیرد، هدفش منزوی کردن انقلاب ما است. و ما باید با این در انزوا قرار گرفتن مبارزه کنیم. جواب ما به نمایندگان کنگره آمریکا می‌تواند و باید اذعان‌نامه‌ای علیه جنایتهای نظام غرب و بخصوص آمریکا باشد...»

خاتمی، در پایان گزارش کمیسیون امور خارجه راه، که ریاست آن با حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها است، قرائت کرد. در قسمتی از این گزارش آمده است:

«... لازم است نامه پاسخ داده شده و موضع قاطع ملت قهرمان ایران طی آن به اطلاع افکار عمومی جهان برسد...»

سپس چندتن از نمایندگان درمواقف و مخالفت با پاسخ نامه نمایندگان کنگره آمریکا سخن گفتند از جمله آقای خزائی گفت: «منظور از تمامی این نامه‌ها اینست که آمریکا حمله نظامی خود به ایران را برای افکار عمومی توجیه کند. حمله نظامی‌ای که به گفته خودشان محتمل است...»

آقای محلاتی گفت: «آمریکا بطور دائم علیه انقلاب توطئه می‌چیند و اکنون هم در فکر توطئه جدیدی است. این نامه‌ها زمینه توطئه جدیدی را خیر می‌دهند...»

دکترهادی گفت: «ما باید با جواب نامه آنها تمام جنایات آمریکا و غارتگریهایش را به دنیا اعلام کنیم. شما ببینید اول ۱۹۸۵ تن از نمایندگان کنگره نامه نوشتند. بعد ۴ تن از آنها نامه جداگانه‌ای نوشتند. سپس نمایندگان و سفیرای کشورهای اروپایی و بعد ژاپن و بازار مشترک به دستور آمریکا آمدند و صحبت کردند و سپس... این یک حمله دامنه‌دار و همه‌جانبه است...»

وی افزود: «جواب ما اذعان‌نامه جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا و جنایاتش در ایران خواهد بود...»

سپس در مورد جواب دادن یا ندادن به نامه کنگره آمریکارای-گیری شد و پاسخ دادن به نامه مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. آنگاه طرح ۱۵ تن از نمایندگان در مورد اراضی شهری به کمیسیون مسکن مجلس ارجاع شد.

سپس مخبر کمیسیون تحقیق، نظر این کمیسیون را در باره اعتبارنامه آقای مینرفر مینیبر تئید آن، قرائت کرد. این گزارش مورد اعتراض چند تن از نمایندگان قرار گرفت. از جمله نصراللهی، نماینده آبادان، گفت:

«گزارش کمیسیون تحقیق بدون بررسی دقیق انجام گرفته است...» دکتر یزدی در اینمورد توضیحاتی داد و سپس بحث زیادی در مورد ارجاع دوباره پرونده به کمیسیون و یا بررسی آن در جلسه علنی مجلس بین نمایندگان انجام گرفت. در نتیجه رای گیری، قرار شد که ادامه بررسی پرونده در جلسات علنی مجلس صورت گیرد. آنگاه رشیدیان، نماینده دیگر آبادان، در مخالفت با اعتبارنامه آقای مینرفر از جمله گفت:

«طبق اسنادی که موجود است، وی در امر ساختمان یکی از مراکز ساواک بعنوان ناظر شرکت کرده است... وی همچنین شاپور راسخ را که یکی از مبره‌های کیف رژیم گذشته بود و اکنون فراری است، بازداشت کرده و ماهیانه مبلغی نزدیک ۱۴ هزار تومان برایش به‌خارج می‌فرستد...»

وی در پایان سخنانش در باره خصوصیت یک نماینده مجلس گفت: «کسی باید نماینده مردم در مجلس باشد که همراه مردم در نبرد با رژیم شاه شرکت مستقیم داشته باشد و حتی اگر از کنار شکنجه-گاه‌های ساواک و مظاهر پلید رژیم با بی‌تفاوتی گذشته باشد، نیابتی در مجلس شرکت کند...»

نژادگریمی، نماینده مردم اهواز، مخالف بعدی اعتبارنامه مینرفر در باره علل مخالفت خود بطور مشروح سخن گفت. وی در سخنان خود اشاره به سندی کرد که طی آن نشان «درجه پنج تاج» از طرف شاه سابق به علی‌اکبر مینرفر اعطا شده بود.

در پایان جلسه دیروز مجلس، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اخطار شدید به عده ۱۵-۱۶ نفره‌ای از نمایندگان، که با بی‌مسئولیتی تمام در جلسات مجلس شرکت نمی‌کنند و یا با تاخیر شرکت می‌کنند، گفت:

«من قاطعانه می‌گویم که این امر تصعیف مجلس و بی‌اعتنایی به وقت و زندگی مردم انقلابی است، و در صورتیکه تکرار شود، اسامی این دسته از نمایندگان را برای مردم فاش خواهیم کرد...»

رئیس مجلس، ضمن دادن چنین تذکری به کمیسیونهای مجلس، اعلام کرد که، جلسه علنی بعدی مجلس روز یکشنبه ساعت ۹ صبح تشکیل خواهد شد.

توطئه جدید آمریکا...

بقیه از صفحه ۹ یادآوری کند که ایالات متحده قوای نظامی در این منطقه دارد»

مسلماً هدف امپریالیسم آمریکا تنها به «رخ کشیدن» قدرت و ترساندن مردم ایران نیست، زیرا بی‌ترسی این خلق را آمریکا در انقلاب ۲۲ بهمن، باحیرت آزموذ، که مردمی یکبارچه، بادست خالی وسینه‌باز، به پیشباز تانک و گلوله آتشزا رفسد و بیروز شدند.

تدارکات وسیع جنگی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند برای مقابله عملی با انقلاب ایران است و اخبار توطئه وسیع آمریکا علیه ایران، قبل از آنکه از زبان یک روزنامه‌نگار آمریکائی فاش شود، وسیله مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و همچنین حزب توده ایران فاش شده بود.

این همان توطئه عظیمی است که امام‌خمینی، رئیس‌جمهور، آیت‌الله‌بهشتی، حجت‌الاسلام خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی از آن سخن گفته‌اند. آنچه مسلم است توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، بکمک رژیم بعثی عراق، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان و سایر رژیم‌های دست‌نشانده و با همکاری فعال ضدانقلاب داخلی و خارجی زیررهمبری اشرف-بختیار - اویسی- پالیزبان علیه جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌تر و خطرناکتر از همیشه است.

ولی ایجاگر دایمی است که آمریکابه دزدان آن خواهد جید، اما اینکه بتوانند خود را از آن سلامت بیرون کنند، وابسته به هشیار، آمادگی و اتحاد خلق و انجام وظایف انقلابی از جانب مسئولان جمهوری اسلامی ایران است. در آنچه که مربوط به مردم است،

باید گفت، مردمی که برای بیرون راندن امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده آن تا ۷۰ هزار از ارزنده‌ترین فرزندان خود را فدا کردند، حاضر نیستند استقلال‌مییمن خود را بی‌بجهایی از دست بدهند. مقاومت و پایداری مردم در برابر امپریالیسم آمریکای متجاوز بی‌هیچ تردید، مقاومتی حماسی و قهرمانانه خواهد بود.

مفهوم «پارز» از نظر امپریالیسم رادیو لندن در بحث فاسی برنده‌ها، خسود، روز یکشنبه ۱۲ مرداد گفت: «کومله که مبارزترین گروه کرد است، میکوید...» فکر می‌کنید رادیو لندن ضد انقلابیون افغانستن را به چه نامی می‌خواند؟!.

ز کمک‌های رفقا و دوستان سپاسگزاریم سازمان حزب در برلن غربی (از درآمد حاصله در جشن روزنامه‌واریهیت) ۵۰۰۰۰ مارک غربی سازمان حزب در انگلستان ۲۰۰ پوند سازمان حزب در ایالتیالیا ۶۰۰۰۰ لیرال

بمب‌های ضد...

بقیه از صفحه ۹ بزبان تهدید و زور میتوان سخن گفت. بعقیده آنها: بگذار هر انفجار گروهی از مردم را بترساند و از فضیلت پخلملر پشتیبانی از انقلاب بازدارد.

ضد انقلابیون با تاکتیک بمب-گذاری خود سیاست دیگری را نیز دنبال میکنند. آنها میخواهند مردم نشان دهند که امنیت ندارند، حکومت قادر به تامین امنیت مردم نیست و ایران شاهنشاهی که «جزیره-لبات» بود، به ایرانی پر از هرج و مرج نونوی تبدیل شده است. امنیت نخواهید؟ درزیم شاهنشاهی را باز-گردانید!

بمب‌گذاری حربه ضد انقلاب در جنگ روانی علیه انقلاب ایران است، باید کوشید و تکذابست که این حربه موثر شود. اثرات سیاسی که این حربه می‌تواند بچای بگذارده، پیرامب از تلفات چانی که بیار می‌آورده خطرناکتر است. برای پیروزی در این جنگ روانی که امپریالیسم آمریکا و عبالتی بر ضد انقلاب می‌آید، باید انداخته‌اند، نخستین اقدام ضرور خنثی کردن بمب‌گذاران است نه بمب‌ها.

بمب‌ها را تنها افراد ورزیده ساواک میتوانند کار بگذارند. بمب‌گذاری مستلزم آموزش فنی و تمرین و دانستن شیوه عملیات تخریبی است، که آنها فقط ساواکیها و یا افسران و گروهبانان ضدانقلابی (بسادان قتی ساواکیها) میدانند.

اگر میخواهیم از بمب‌گذاری جلوگیری کنیم، باید تمام ساواکیها و فضالیت آنها را زیر نظارت و مراقبت دائم داشته باشیم. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ما یاز هم‌هضدار می‌دهیم:

نباید گذاشت ضدانقلاب دست خود را از آستین پدر آورد (فرق نمیکنند در حضرت عبدالعظیم، یا حرم امام رضا، یا نماز جمعه تبران) و فاجعه‌ها بیاورند - فاجعه کشتار صدها و صدها نفر و فاجعه عواقب سیاسی آن.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نقشه‌ای سراسری است، پس ما هم باید برای رویارویی با این توطئه در مقیاس سراسر کشور آماده باشیم، همه امکانات سیاسی، تبلیغاتی و رزمی خود را بسیج کنیم و به دشمن بفهمانیم که توطئه و تجاوز او را دندان‌شکن پاسخ خواهیم گفت.

برای خنثی کردن فعالیت ستون پنجم امپریالیسم آمریکا، که ضدانقلاب داخلی است و این روزها عملیات تخریبی و بمب‌گذاری و... خود را افزایش داده، باید آنرا کشف و سرکوب کرد و مردم انقلابی را چنان بسیج نمودو آماده نگاهداشت، که ضدانقلاب فرستعمل نیاید و مردم خود با هشیار و تیزی، هر عمل خرابکارانه‌ای را زیر نظر داشته‌باشند و آنرا خنثی کنند

امپریالیسم آمریکا در تدارک توطئه بزرگ جدیدی است. انقلاب باید بتواند از خود دفاع کند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده اعتبار و مدیر مسئول: منوچهر زهادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(داختر نامه «مردم» فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است)
NAMEH MARDOM
No. 313
21 August 1980
Price: West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.